

# آشنائی با قرآن ۴۱

توحید:

خداوند در آیه ۴۵ زمر سوره ۳۹ میفرماید:

إِذْ أُنزِلَ اللَّهُ فِيهِ آيَاتُهُ وَنُوحٍ وَآلِهِ إِذْ هُمْ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْكَافِرِينَ إِذْ يَقُولُ لِآلِهِ بِآلِهِمْ كَاتِبِينَ  
وَإِذْ أُنزِلَ اللَّهُ فِيهِ آيَاتُهُ وَنُوحٍ وَآلِهِ إِذْ هُمْ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْكَافِرِينَ إِذْ يَقُولُ لِآلِهِ بِآلِهِمْ كَاتِبِينَ

وقتی فقط صحبت از الله باشد دل کسی که ایمان به آخرت ندارد چهار نفر میشود،

دو وقتی صحبت از کسی غیر از او شود خوشحال میشوند.

مردم با غلو و مبالغه و زرافتنی؟ کسی که در مورد اقرار میشود به آنها عداقت مند میشوند و آنها دوستی پیدا میکنند. همانطور که درباره تبلیغاتی که در مورد انجاس کاری می بینیم که با تبلیغات و مبالغه کنی؟ کسی که درباره یک چیز میگوید مردم عداقت مند بخوبی آن جنس میشوند. در دین هم مطلب همینطور است. هر کس که از پیروان مذاهب جهان از بتی که برای آنها ساخته شده پیروی میکنند، در هر کس که از پیروان مسالک سیاسی (ایسم) نیز همینطورند و طبیعتاً وقتی درباره کسی که برای آنها ساخته شده است و بصورت بتی درآمده صحبت شود کیف میکنند و لذت میبرند. چون با اسم او آشنا هستند چیزهایی هر چند مختصر و کوتاه ناقص باشد درباره آن میدانند.

دلستگی به عقاید پدران:

جا = آمدن

جنت = آمدن

جنت = آمدن

خداوند در آیه ۷۰ اعراف سوره ۷ درباره قوم عاد میفرماید: **أَجْتَنَابُ لِيَعْبُدُوا اللَّهَ وَنَدَّرُوا مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ أَمْ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَنَدَّرُوا مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ أَمْ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَنَدَّرُوا مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ**

از آنجا که داد  
آنها = آمد  
آنها به آمد

آیا آمده ای که مافقط الله را بندگی کنیم و آنچه پدرانمان میپرستیدند ترک کنیم؟! اگر راست میگوئی عذابی که با وعده میدهمی بر ما میآورد (در عهد)

این یک طبیعت بوده است. همه پیغمبران می آمدند تا مردم را از دین منحرف خود بر گردانند و آنها را به توحید دعوت می کردند چون هر دینی بودید دین فروشان و دکان داران (دکان داران) دینی از اصل خود منحرف میشد و سید ارتزاق یک معاش یک دست میشد. و این دکان داران دینی را برای مردم بصورت یک معنای پیچیده در می آوردند. در صورتیکه همانطور که دیدیم دین یک هدف روشن داشت یعنی روشن کردن دنیا پاک که در آن اثری از ظلم و فساد و جهل و خرد شدن شخصیت آن نباشد. تمام تعالیم دینی برای تربیت انسان برای روشن شدن چنین دنیایی بوده است. ولی دکان داران دینی را بصورت تلفه و فتنه در آوردند.

همانطور که میدانیم عیسی مسیح علیه السلام ۲۰ قرن پیش برای هدایت مردم بیسواد آن زمان قسطنطنیه آمد و بعد ریاست او صحبت میکرد که مردم آن زمان حرف او را میفهمیدند و وعده می داد ایمان آوردند ولی بگماندگان یهودی مطابق عقیده عیویان او را برکنار دادند و او را به صلیب (دارکشتن) کردند. چون مطابق شماره ۱۳ باب ۱۵ پنجم می میفرمود:

«هر نفسی که پدر آسمانی من (خدا) گناشته باید کند (شود) یعنی هر توبه و حکم و نظری که در تورات نیست و نظرش بخ (نعمتای یهود) است باید در آنند آنچه شود مطابق شماره ۴ تا ۱۵ باب ۲۳ پنجم می درباره کاتبان و فریسیان میفرمود: «بارهای گران و دشوار را می بندند بر دوش مردم می نهند و خود نمیخواهند آنها را بایست حرکت دهند. همه کارهای خود را میکنند تا مردم ایشان را ببینند. (ریا کارند) حامل های خود را عریض و دامن های قبای خود را پهن میکنند.

بالا نشستن در صیانت های دگرسی (صندلی های صدر (بالای) کنایس را دوست دارند. و تعظیم در کوه چاه را و او اندک مردم ایشان را آقا آقا بخوانند. لیکن شما آقا خوانده میشود زیرا آنها شما کیست یعنی مسیح و جمیع شما برادرانید. یکجکس را بر زمین پدر خود بخوانید زیرا پدر شما یکی است که در آسمان است. پیشوا خوانده میشود زیرا پیشوای شما یکی است یعنی مسیح. هر که از شما بزرگتر باشد خادم شما بود. هر که خود را بلند کند پست گردد.

هر که خود را فردن سب زد مرا افزاگر گردد. و ای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را بر روی مردم می بندید. زیرا خود داخل آن نمیشوید و داخل شونده گان از داخل (دار کردن) مانع میشوید. و ای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار، زیرا خانه های یوه زمان داعی بعید و از روی ریا نما را طویل میکنید. از آن رو غذا بشه بدتر خواهید یافت. و ای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار، زیرا بر دو بحر (خشکی و دریا) را میگذرید تا سیردی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دورتر پست تر از خود پست بکنم میبندید.»

تأسفانه امروزه می بینیم که روحانی نماهای کلیه ادیان و مذاهب به همین درد گرفتار هستند. بقول آیه الله مطهری در بنده آفر صفر ۱۸۵ کتاب «بخش درباره برهیت در حقیقت» چاپ شرکت انتشار «حکومت عوام منشا رواج بی حد و حصر ریا و مجامله و تظاهر و کتمان حقایق و آرایش قیافه پر خستن به هیكل و شیوع عناوین و القاب با لابلید در جامعه روحانیت

مانده که در دنیا بی نظیر است» داین در در مطابق صفحه ۱۸۴ آن کتاب «معدل النظام مالی ما» میبندند. چون روحانیون ما از راه دین فروشی کسب معاش میکنند و خرج زن و فرزند را از این راه بدست می آورند. قرآن به افرادی ایمان به اهل کتاب، به کلیه افراد بشر خطاب میکند و با آنها حرف میزند. با مشی که

حقیقت را بدیده صحبت کند که آنها حرف او را بفهمند و هدایت شوند. خداوند در آیه ۲۴ توبه سوره ۹ میفرماید: **اِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْاَحْبَارِ وَ الْاَثْرِيْبَانِ لِيََاْكُلُوْنَ**

أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ و لَيَصُدُّنَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ. «عده زیادی از کشمندان دینی در اهدان ناکر دنیا مال مردم را با نقی میخورند مردم را از راه خدا منحرف میکنند.»  
نمیدانند

### آشنائی با قرآن ۴۲

شک:

اتحاد کردند <sup>خداوند در آیه ۳۱ توبه سوره ۹ میفرماید:</sup> سبح پریم را (چون معقول است)  
 دانستند <sup>را حسب</sup> <sup>دین</sup>  
اتخذوا ايجابهم ارباباً من دون الله المسيح ابن مريم  
 (طو حاله) <sup>در حالیکه</sup> <sup>از جهتیکه</sup>  
وما امرود الا لعبود الهار احداً لا اله الا هو سبحانه عما يشركون  
 و الله ان دینی در آیه ان تا که دینای خود و پیغمبرشان سبح ابن مريم و ارباب خود گرفتند.  
 در صورتیکه آنها دستور داده شده بود فقط خدای یگانه را بنده کنند.

معبودی غیر از او وجود ندارد. خدا اصلی بالاتر از چیزی است که شریک او میسازند.»

معبود یعنی عبادت شده و قابل بندگی. ارباب یعنی آقا و مالک و صاحب اختیار. ارباب در عربی جمع رب یعنی آقا و مالک و صاحب اختیار است ولی در فارسی  
 بعضی مفرد گفته می‌رود. دیدیم که خداوند در آیه ۶۴ توبه سوره ۹ میفرماید: «<sup>آل عمران (۳)</sup> بلوای اهل کتاب بیائید روی کلمه ای که بین ما دشمنی است همکار می‌کنیم»  
 که فقط الله را بنده می‌کنیم و چیزی را شریک او نمی‌زنیم و بعضی از ما بعضی را غیر از الله بنده نمی‌کنند.» دین واقعی آمده که آن را از بندگی آن‌ها  
 آزاد سازد. ولی آن‌ها مثل بیشتر موجودات زنده میخوانند هم نوعانشان در معادبتان دم نمانند و از نظر میل و فرمان آنها اطاعت کنند.  
 این عزیزه را در تمام افراد بشر و بهتر از همه در یکدیگر و پدر و مادرهای بنیم. لابد متوجه شده‌اید که پدر و مادر وقتی بیچاره فرزندشان حرفی زودند هیچ‌کس به سخرانند  
 باشند. و یکدیگر میخوانند هر چه از پدر و مادرشان خواسته‌اند آنها انجام دهند. و دائماً پدر و مادر را امتنان میکنند که همیشه تیغشان تا کجا میبرد و پدر و مادر چه قدر  
 مطابق میل آنها رفتار میکنند و تا کجا میخوانند تا زنده. این دستور گاهی بصورت نقایض و گاهی بصورت پشیمانی است. چون اگر از طرف بالادست باشد دستور  
 است. و اگر از پایین است باشد نقایض است. و اگر از هم‌تراز باشد پشیمانی است. یکی که قدرت رسیده اند این عزیزه طبیعی را بچونیش نشان داده اند. اگر  
 دستورشان کردن زدن یا با زدن یا تیر باران کسی یا کور کردن او یا جمعیتی باشد یا قتل عام شهر یا قبیله ای یا بمباران شهر و همه به شهری یا کشوری  
 بوده باید بدون چون و چرا اجرا می‌شود. دستور چنگیز، پوتش، آتاترک، هیتلر، کنت، پرنس، پادشاه، ارباب، در طول تاریخ  
 دیده ایم در قرن بیستم به بسیاری از آنها بوده ایم یا آن را از روی و تلوینز یون شنیده ایم یا در روزنامه ای یومیه و مجلات خوانده ایم.

کلمه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** که مردم در اثر نداشتن معنی آن بیاد مرده گشتی می افتادند کلید آزادی انسان از قید بندگی ارباب با و پادشاه و حکام و پادشاهان و بزرگواران بود. ولی نداشتند مردم معنی آن را بفهمند چون دیگر دینها و توراتان نمیخواستند ارباب و صاحب اختیار مردم باشند و بر جان و مال و ناموس آنها حکومت

کنند. **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** یعنی «معبودی در کسی که این طبع محض فرمائش باشد و دستورش را بدون چون و چرا اجرا کند و در مقابلش اختیاری از خود نداشته باشد و در مقابلش احساس دابر از کوچک و بزرگ ندارد» غیر از **اللَّهُ** وجود ندارد. «میدانیم که خداوند اجتناب ندارد که بخواهد از بنده اش برای رفع احتیاج

خودش استفاده کند. و اگر دستوری میدهد فقط برای سعادت بنده اش میباشد و بس. خداوند با دستوری خود میخواهد مردم را از بندگی انسان خارج کند به آنها شخصیت بدهد <sup>۷۰</sup> و در آیه ۷۰ از سوره بقره میفرماید: **لَقَدْ لَوْمانِیْ اَدمَ وَّحَمَلنَاهمْ فِی الْوِبرِ وَاَلْمِجْرِ...** «ما فرزندان آدم را تکویم کردیم.

ببین آدم

«بزرگ شایسته» و آنها را در خشکی و دریا سوار کردیم...» در خشکی سوار حیوانات و در دریا سوار کالکند و در خشکی و کاری در دریا سوار و موتورها و ماشین و اتوبوس و ترمینال هواپیما و در دریا سوار کشتی و قایق و زیر دریایی کردیم. ولی فرعون؟ بدست دکانداران دین فروش مردم را از این حقیقت و سعادت واقعی دور کردند. همانطور که

علامه طباطبائی مفسر المیزان در بند آخر صفحه ۷۴ کتاب «اسلام و حقیقات واقعی هر عصر» مینویسد: «**آقایان** (حکومت)... بدست بیکدیگر فرود

ماده پرست که مورد ارادت عامه مردم بودند فکر واقع بینی و حقیقت شناسی را از مغز ایشان بیرون کشیده و با تزریق و تلقین بیکدیگر استوار است

و واهی ولی اثر مرکزشان نمودند. «از پادشاه **«ظَلَّ اللَّهُ»** «سایه خدا» است خفته. این در تمام اربابان بوده. فرعون هم مطابق آیه

۲۴ نازعات سوره ۷۹ کوس **اَنَّا نُرِيکُمُ الْاَعْلٰی** «من بالاترین صاحب اختیار شما هستم» و از طرف دیگر مردم مطابق آیه مورد کتبت (آیه ۳۱ توبه)

«دانستند ان دینی در ابدان ما کرد دنیای خود و پیغمبرشان مسیح ابن مریم را ارباب خود میترسند» یعنی انسان نباید پیغمبر خدا را هم ارباب صاحب اختیار خود بپندرد.

امام صادق علیه السلام در حدیث ابواب ۳ باب تقلید در صفحه ۶۸ و ۶۹ کافی (جلد اول چاپ نقره فرشته) مینویسد: «در باره آیه ۳۱ توبه سوره ۹ میفرماید:

**اَمَّا وَاللّٰهِ مَا مَعَهُمُ الْاِیْبَادَةُ الْفٰسِیْمِ. وَلَوْ مَعَهُمْ مَا اَجَابُوهُمْ وَلٰكِنْ اَحَلُّوْا لَهمْ حَرَامًا وَّ حَرَمُوا عَلَیْهِمْ حَلٰلًا لَا یَعْبُدُوْهُم مِّنْ حِیثُ**

(کتاب مائده)

**لَا یَسْعُرُوْنَ.** «ببایند که آنچه مردم را بندگان بخورشان دعوت کردند. اگر هم میکردند مردم قبول نمیکردند. ولی آنها حرام را برای آنها حلال و حلال را برای آنها حرام

و قسم کردند آنها هم بدون آنکه بدانند بنده آنها شدند» **وَاللّٰهُ مَا صَاعُوا لَهمْ وَلَا صَلُّوا لَهمْ وَلٰكِنْ اَحَلُّوْا لَهمْ حَرَامًا وَّ حَرَمُوا عَلَیْهِمْ حَلٰلًا فَاتَّبَعُوْهُم**

«چگونه مردم برای آنها روزه نگرفتند و نماز نخواندند. ولی آنها حرام را برای مردم حلال و حلال را برای مردم حرام کردند و مردم هم از آنها پیروی کردند» این تقلید جاهلان شرک است

جای شکر

( فَرَبِ وِت = حکم حسنه )  
( مَا وَصَّیْله بِئْت سر سامنی باشه معنی است )

# آشنائی با قرآن ۴۳

خداوند در آیه ۷۹ آل عمران سوره م میفرماید:

مَا كَانَ لِلْبَشَرِ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ،

ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ؛

وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّاتِنِ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ الْكِتَابَ وَمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ.

بسیج بشری نبوده که الله - او کتاب و حکم و نبوت بدهد، بعد او مردم بگوید غیر از خدا بنده من باشید؛

دلی مکتبند که خدا پرست باشید بدلیل همان کتابی که بهم درس میدهد و بدلیل همان کتابی که از هم یاد میگیرد.

بسیج بشری ادعای خدائی نمیکرد بلکه مکتب من پیغمبر خدا هستم و فقط وظیفه دارم پیام خداوند را به شما برسانم و خود من هم موظف هستم از احکام و نظراتی خداوند

پیردی کنم. خداوند در آیه ۲۹ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید: مَنْ يُعَلِّمْنَاهُمْ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

و هر کس از آنها که بگوید غیر از خدا منم معبود (قابل پرستش و بندگی) هستم او را به جهنم میفرستیم (جهنم اجزای اوستیم) ما ظالم را را انطور مجازات میکنیم.

مطابق شماره ۴۱ اول باب ۱ کتاب لادیان (از کتاب مقدس یهودیان) «خداوند موسی را خطاب کرده گفت: «الله بعضی از باب ۴ او را به باب قبلی

میباشد. در بعضی از باب ۴ «مارون» هم اضافه شده. در ابته ای شنبه باب ۱ کتاب خروج کتاب مقدس همین عبد را می بینید مجسمی ۴۴ شماره ۲۴: ۱۱۴ انجیل یوحنا

میفرماید: «دکلمی که میخوانید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد» و در شماره ۱۵: ۱۵ آن میفرماید: «هر چه از پدر شنیدم شما بیان کردم» و در شماره

۱۷: ۱۸ انجیل یوحنا - خداوند عرض میکند: «دکلمی را که بمن پیروی - ایشان پیروم، ایشان قبول کردند» خداوند در آیه ۴۹ بود سوره ۱۱ در حکایت نوح

میفرماید: نَدَبْتُ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ قَوْمٌ مِنْ قَبْلِ ذَٰلِكَ. «این از اخبار غیب است که تو وحی میکنی. نه تو و نه

قومت قبل از این از آن اطلاع نداشتید» و آیه ۵۰ همان سوره ۶۰ میفرماید: بَلَىٰ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا مَا يُوحِي إِلَيْكَ. «من فقط از آنچه بمن وحی میشود پیروی میکنم»

و آیه ۱۹ همان ۶۰ میفرماید: قُلْ... أَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأَدْرِكَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ... این قرآن بمن وحی شده تا بوسیله آن شما هر کس که این

قرآن - او میرسد (از عواقب کلامی خطیتر است) ۱۰ پیامبران همه پیام بر (پیامبر) خداوند بودند و وظیفه داشتند آنچه به آنها وحی شده به مردم برسانند.

# آخر فعل مضارع:

آخر فعل مضارع ضمه و دارد و آخر جمع مذکر و ثنیه آن و مفرد مؤنث فمطابق آن «ن» دارد. ثنیه جمع و مفرد مؤنث است و مفرد مؤنث می  
یعنی تو (وقتی طرف صحبت زن باشد) اولی گاهی ضمه و آن بی فتح و گاهی بسکون و تبدیل میشود «ن» آخر آن می افتد.

**حالت جزم:** یعنی موقعی که ضمه بسکون تبدیل میشود «ن» حذف میگردد. در ۵ موقع فعل مضارع مجزوم میشود. ۱- پس از «لا» ۲- پس از «لم» و «لما»  
۳- پس از حرف شرط و اسم های شرط. ۴- پس از یک «تور» ۵- پس از «ل» امر

**حالت نصب:** یعنی موقعی که ضمه بی فتح و تبدیل میشود «ن» حذف میگردد. فعل مضارع پس از آن که کن، برزنه، گئی، گلی، برای آید  
اذن، بنا بر این ل: بعت آید. برای آید. حتی: تا آید. ف: تا آید. در این صورت، در این حالت در فارسی بجای «می» «ب» میگردد.  
معنی کنید: و عت نصب و جزم فعل مضارع را بیان کنید:

لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ	لَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَدْرًا	فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا لَنْ تَفْعَلُوا
أَذْنًا يَعْهَدُكُمْ	لَا تَلُونَا أَدْلًا فَرِيهًا	لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِنَا ثَمَنًا قَلِيلًا
لَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ	لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَنْزِي اللَّهَ جَهْرَةً	لَنْ نَضَعَّ عَلَى طَعَامِ وَاحِدٍ
فَارِعَ لَنَا رَبٌّ كَرِيمٌ جَاءَنَا نَبَأُ الْأَرْضِ	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ أَنْ تَذُجُوا الْقُبْرَةَ	
أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَلُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ	أَدْعُ لَنَا رَبٌّ بَيْنَ لَنَا مَا هِيَ	
لِيَجْزِيَكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ	لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا	لَنْ نَحْسَبَنَّ النَّارَ إِلَّا آيَاتٍ مَعْدُودَةٍ
لَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ	إِنْ يَأْتِوكم آسَارِي لَفَادِمٌ	أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ	لَنْ يَتَمَنَّوهُ أَبَدًا	لَمَّا هُوَ بِمَنْزِلَةٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يَعْزُرَ
حَتَّى يُعْرَلَا	لَا تَكْفُرُوا	أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ
لَمَّا نَسَخْنَا مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسَبْنَا نَأْتٍ بِخَيْرٍ مِنْهَا		أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ

# آشنائی با قرآن ۴۴

## طاغوت:

خداوند در آیه ۳۶ نحل سوره ۶ میفرماید:

لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا لِيُعَلِّمُوا الْإِنسَانَ مَا كَانُوا لَا يَعْلَمُونَ  
 لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا لِيُعَلِّمُوا الْإِنسَانَ مَا كَانُوا لَا يَعْلَمُونَ  
 در بین برامتی پیغمبری برانگیزیم که الله را بزرگی کنید و از بزرگی طاغوت که راه گیری کنید.

طاغوت یعنی طغیانگر یعنی کسی که طغیان کند و در برابر حکم و نظر خداوند حکم و نظر دیگری بدهد و بخواد دیگران از حکم و نظر او پیروی کنند. لذا شیطان و دیکتا توران و دروغانی که بر خلاف حکم و نظر خداوند حکم و نظر میدهند و میخواهند مردم از حکم و نظر آنها پیروی کنند طاغوت هستند. عبادت یعنی بندگی کردن. عبد یعنی بنده برده یعنی کسی که در مقابل ارباب خود اختیاری از خود ندارد و از دستورهای او بعلن بچون و چرا اطاعت میکند و شخصیتی برای خود قائل نیست. عبادت اظهار حقارت و کوچکی کردن در مقابل کسی یا چیزی یا باستانی است که توبه معنی عبادت شده باشد توبه شده. آید که اکثریت افراد بشر دست به باندازند به بخواه یا بدون بخواه خود بنده این دکان هستند ولی توبه ندارند. دین میخواهد مردم این شخصیت کم شده خود را دوباره پیدا کنند. ولی قدرتمندان و قدرت طلبان فرسکار دین را وارونه کرده اند و برگردانده مردم سوار شده اند فرعون صفحان همیشه به موسی صفحان مطابق آیه ۲۹ شعراء سوره ۲۶ میگویند: لَئِنْ أَخَذْتُمُ الْإِهَاءَ غَيْرِي لَا جَعَلْتُمْ مِنَ الْمُسْجُومِينَ. (اگر معبودی غیر از من بگیری (بنده و مطیع کسی غیر از من باشی) تو را از ندانی میکنم) و بکسی که بخدای پیغمبران ایمان بیاورد و نخواهد از دستور میل آنها پیروی کند مطابق آیه ۱۲۲ تا ۱۲۴ سوره صافات میگویند:

أَنْتُمْ بَعْدَ قَبْلِ أَنْ أَدْنُ لَكُمْ... لَا قَطْعَانَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ تَمَّ لَا صَلْبِنَكُمْ أَجْمَعِينَ. (آیا قبل از اینکه به شما اجازه بدهم به خدای او ایمان

آوردید؟ ... دست و پای شما بر خذف هم ببرم و بعد همه شما را بر شترتم) در تمام دنیا این تهدیدات وجود دارد و وجود داشته و عملی شده

خداوند در آیه ۱۷ از سوره ۳۹ میفرماید:

الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوا آثَانًا إِلَى اللَّهِ لِيُعَلِّمُوا الْإِنسَانَ مَا كَانُوا لَا يَعْلَمُونَ

کسی که از بزرگی طاغوت خودداری کردند و بسوی الله برگشتند ثواب دارند.

جَنَّبَ یعنی پند. كَذَرَ. اجْتَنَبَ یعنی پندگیری. كَنَاهُ كَرِي. خودداری. اِنَانًا یعنی بازگشت با ندامت و تضرع و توبه یعنی شکره بجز خوش

انسان به نکردن = بر گشتی با ندامت

خداوند در آیه ۲۵۶ بقره سوره میفرماید:

مَنْ يَلْكَرِ بِالطَّاعُوْتِ دَبُوْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدْ اَسْمَسَكَ بِالْعُرُوْدِ الْوَقْعِيَّةِ

هر کس طاعت را قبول نکرد و به الله ایمان آورد به دست او محکمی چسبید.

لَکَرِ یعنی قبول نداشتن، باور نداشتن، بنگر بودن، انکار کردن، کفر ضد ایمان است. ایمان یعنی باور داشتن، اعتقاد داشتن، خاطر جمع بودن. تَسَبُّبُ یعنی پیوستگی چیزی چسبیدن و استساک یعنی خودداری، جدوی خود را گرفتن و تَقَطُّعٌ یعنی سرزدن و اطمینان و تَقَطُّعٌ مَوْتٌ اَدَّتْ یعنی طغیان تر حکم تر بود و اطمینان

دین واقعی آمده که دنیائی بسازد که مردم بنده و برده و ملحق شیطان هم را بی نفس (دخواه) و طاعت (فوق قانون) داشته باشند. ولی انسان بنده آنها هستند. دین برای واقعی آن ها از بندگی آنها آمده است. ولی دیکتا توران (طاعت) دست فریبکاران و کاندازان دین افروش مردم را از دین واقعی منحرف کرده اند. به نظر که عدله طباطبی در بنده آخر صفحه ۷۴ کتاب «اسلام و تحولات واقعی از عصر» میفرماید: «اللّه این آقایان (حکومت های وقت و سایر کاندازان اجتماع و صفحہ ۱۲) تا کمال تیرمینی فقط ضعف کار خود را میدیدند و دست بکعبه مزدورانه پرت که مورد ارادت عامه مردم بودند فکر واقع بینی و حقیقت شناسی را از منقراشتان میزدند و با تزریق تلقین بکسته افکار مسست و واهی دینی اثر مگرش را نمودند. و اگر ارجحان کسی (یا کانی) مریض کرده و باندهای و جبران نامی از حقایق قرآن به زبان می آورد با مغش به دم شمشیر و چوب دار و شکنجه های که در کج زندان های تاریک را انتظار آمان پس میرسد و کول میشد.» و طباق صفحه ۱۲ آن «آنکه بسیار رنگ بود همین اندازه میترسند که مواظبت از خود را دست نخورده نگذارند و با یگانگی کنند. و اتفاقاً حکومت های وقت و سایر کاندازان اجتماع برای جدگیری از محبت آزاد نسبت به این رویه زیاد دینی میل نموده.» میفرمایم که خداوند در آیه ۶ و ۷ معلق (سوره ۹۶) میفرماید: **اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِٖ لَکَفُوْرٌ ۙ اِنَّ رَاٰهُ اَسْتَفْسَفًا ۙ** انسان وقتی خود را بی نیاز ببیند فقط طبعان میکند. این قدرت طبعان و طاعت و بندگانه هوای نفس (دخواه) خود و بندگان شیطان با مداحی و دمیالندگویی های خود از افراد بی نیازند و خود متولی بنحمان میشوند و بدوش مردم بدار میشوند. میفرمایم که انسان طبعاً قدرت طلب است و تا وقتی تربیت صحیح دینی نشود برای دیگران حقی قائل نباشد هر قدر ای که سر کار بایند همین بساط را پس میکنند و افراد دار و دونه خود را بقدرت میرسانند و دست های اصلی در آن می رابین آنها تقسیم میکنند. لذا دینداران واقعی که هدف دین و طبعیت انسان را میباشند در صدد و از کونی حکومت های نیستند بلکه سعی میکنند اولاً مردم را تربیت کنند تا با نیاز با اتحاد دینداران جهان حکومت را به کارهای اصلاحی هدایت نمایند و آنها را از تکلیف کردن افراد ناسدی که برای سوء استفاده خود از آنها پشتیبانی میکنند بی نیاز کنند.



# آشنائی با قرآن ۴۵

بشر:

خداوند در آیه ۱۰ آلف سوره ۱۸ میفرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ، يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ؛  
فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

بگو: من انسانی مثل شما هستم فقط بمن وحی میشود که معبود شما معبود واحدی است.

بنابر این هر کس امید دیدار صاحب اختیارش را دارد باید کار درست بکند و در بندگی صاحب اختیارش احدی را شریک اوست.

این دتوری است که خداوند به پیغمبرش میدهد و او آن را بر مردم میگوید. ولی بعضی با در مقابل این بیان صریح و روشن باز میگویند کیف بشر؟ (چگونه بشری؟)

مثل اینکه چشمش ان نمی بیند یا نمی خواهد ببیند که میفرماید: «بشری مثلکم». «بشری مثل همه شما». با تمام اعضاء و جوارح و ضعف و قدرت

و احتیاجات بشری. از شکم مادر زائیده شدم اسم پدر و مادرم را میدانید. دوره کودکی را گذراندم که از آن خبر دارید. غذا میخورم، زن و بچه دارم. یعنی غریزه

جنسی دارم، مثل همه شما. ولی مطابق آیه ۱۷۹ آعاف سوره ۷ لهم قلوب لا یفقهون بها، ولهم اذان لا یسمعون بها. اولئك کالانعام، بل هم اضل.

«دل دارند ولی با آن درک نمیکنند، چشم دارند ولی با آن نمی بینند، گوش دارند ولی با آن نمی شنوند. آنها مثل چهارپایان هستند بلکه از آنها هم گمراه تر هستند.»

خداوند در آیه ۳۸ رد سوره ۱۳ میفرماید:

خداوند در آیه ۳۸ رد سوره ۱۳ میفرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمُ ازواجاً وذریةً

قبل از تو پیغمبرانی فرستادیم برای آنها همسران و فرزندان فرستادیم.

ابراهیم همسری بنام سارا و همسری بنام هاجر و همسری پس از ترک رادش بنام قطوره و فرزندان بنام اسمعیل و اسحاق از هاجر سوره ۱۱ آیه ۲۵:۲۶

پیدایش از قطوره فرزندان بنام زمران و یقشان و مدان و میدان و شیشاق و شوحدار است. اسمعیل زنی بنام رفقه داشت و دو پسر بنام عیسو

و یعقوب. یعقوب همزن بنام لیه (لیعا) و راحیل و زلفه و بلهه داشت و ۱۲ پسر داشت (باب ۳۰ و ۲۹ پیدایش را ببینید) و هجری بنام دینه

سليمان سلطان شماره ۳: ۱۱ کتاب اول پايش ۴۰۰۰ از ن دشت و جعالم پيرسيان مطابق ۱۱: کتاب دوم تاريخ ايام ۷۸ زن و ۲۸ پسر و ۶ فرزند.

خداوند در آيه ۲۰ فرقان سوره ۲۵ مي فرمايد:

مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا أَنَّهُمْ لِبَاطِلٍ كَلُونِ الطَّعَامِ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ  
قبل از تو پيغمبراني نفرستاديم مگر اينكه غذاي بغير ارزش و در كوچه و بازار (مثل همه مردم) راه ميرفتند.

ولي مردم محادثه دارند كه در مورد بزرگان دين و پايش ۴۰۰۰ و فلسفه و بزرگان زيور است كه گفته بخود و مبالغه لطيف آن است و از آن نوشتن مي آيد.

لذا در مورد پيغمبران غلو و مبالغه ميگردند همانطور كه در كتب احاديث در باره پيغمبران حتى امامان غلو و مبالغه هم زيادي شده.

خداوند در آيه ۷ فرقان سوره ۲۵ مي فرمايد:

قَالُوا: مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ  
گفتند: اين چه چيز پيغمبري است؟ غذا ميخورد و در كوچه و بازار راه ميبرد.

خداوند در آيه ۱۰ سوره ابراهيم سوره ۱۴ مي فرمايد:

قَالُوا: إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا، تُرِيدُونَ أَنْ لَصَدُقًا غَمًّا لَكُمْ لِيُعْبَدُوا.  
گفتند: شما هم ني مثل ما هستيد. بخواهيد ما را از پرستش آنچه پدرانمان پيوستيد بازداريد.

گفتند: شما هم ني مثل ما هستيد. بخواهيد ما را از پرستش آنچه پدرانمان پيوستيد بازداريد.

و در هر دو مورد راست ميگفتند پيغمبران آدم ها ني مثل آنها بودند با تمام اعضا و جوارح و احتياجات بشري و آمده بودند مردم را از دين غلط خود باز دارند و آنها را

به راه صحيح هدايت کنند. وظيفه هر مسلمان و قبي هم كه تسليم حكم و نظر خداوند باشد همین است. پيغمبران هم حرف آنها را تصديق ميگردند. همانطور كه

خداوند در آيه ۱۱ ابراهيم سوره ۱۴ مي فرمايد:

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ: إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ.

پيغمبرانشان به آنها گفتند: ما فقط انبي مثل شما هستيم.

ولي به كتابهايي كه بنام دين نوشته اند نگاه كنيد تا ببينيد كه با غلو و مبالغه اي كه در مورد پيغمبران کرده اند از آنها انبى فوق بشر و بنده خدا و خداست خداوند.

# آشنائی با قرآن ۴۶

توحید و شرک:

خداوند در آیه ۰۶ (یوسف سوره ۱۲ میفرماید:

مَا يُؤْمِنُ الْكُفْرُ بِاللَّهِ، إِلَّا وَهُمْ قَسْرًا لَوْ كَانُوا يَشْعُرُونَ

انجیل

بیشتر مردم در حالی به الله (خدا) ایمان می آورند که هنوز مشرک هستند.

بیشتر دینداران جهان در شرک میولند و غرق در شرک هستند ولی خود را مؤمن (یکتا پرست) میخوانند. خدا پرست (میدانند) چون معنی پرستش و عبادت را میدانند پرستش در فارسی

اصیل به معنی خدمت کردن است و معنی مجازی آن دشمنی و عداوت زیاد میباشد. عبادت یعنی بزرگی و حلال کوچک و حقارت کردن در مقابل کسی یا چیزی و ابراز آن

اگر اندکی دقت کنید این حلال را خیلی از افراد در مقابل شعراء، فو سفه، هنرمندان، سیاستمداران، دانشمندان، ثروتمندان، قدرتمندان دارند و ابراز کوچک و بزرگی میکنند.

در صورتی که دین بخوابد بنان شخصیت بد بد مطابق آیه ۱۷۰ بر او در باره آن میفرماید: لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ «فرزندان آدم (بنان ۲) را تکریم کردیم و بزرگداشتیم» دین

بخوابد آن فقط و فقط در مقابل خداوند حلال و ابراز کوچک و بزرگی کند و بدانند فرشتگان هم موظف هستند به آدم سجده کنند و ابراز کوچک نمایند.

خود یا خستگان:

خداوند در آیه ۶۴ زمر سوره ۳۹ میفرماید:

أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ؟

ای ایس

ای افراد نادان! آیا بمن دستور میدهید که بندگی کسی غیر از الله را بنم؟

افراد خود باخته ای که شخصیت بنی خود را از دست داده اند دیگران را هم تشویق میکنند که در مقابل قدرت های زمان سر خم کنند و حتی بجا کعبه بچند آستان بوس درگاه

آنان باشند. چون متوجه عظمت روحی خود و استعداد های که خداوند در وجود آنها گذاشته نیستند. فوایع دنیا بنان های معمولی مثل بنان های دیگر بوده استند فقط با فعالیت

و پشتکار در وقت خود در کار تا به این درجه رسیده اند. بنان های هر چیزی که دیگران رسیده اند میتوانند بر سرست فقط بشرط آنکه بخواهند و تقسیم بگیرند و اراده ای قوی داشته باشند

باشند و در کاری که میخواهند دقت کنند و شباهات خود را رفع کنند. خداوند در آیه ۳۴ بقره سوره ۲ پس از اینکه استعداد عقلی آدم را به فرشتگان نشان داد به فرشتگان فرمود:

أَسْمِعُوا لِلْآدَمِ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ، أَلَمْ يَكُنْ مِنَ الْكَافِرِينَ «به آدم سجده کنید. همه سجده کردند غیر از ابلیس که از سجده کردن امتناع کرد و کبر در زید و قدرتش را نشان داد»

این لغات در قرآن زیاد می آید. اگر بعضی از آنها را نمیدانید با طر بسیار بد.

اسم اشاره: اسمی است که به چیزی یا کسی که از زبان دور یا به او نزدیک است به میزند. اسم همی اشاره هم عبارتند از:

هَذَا: این (نکر) هَذِهِ: این (برای اسم مؤنث) ذَلِكَ: آن (برای مذکر) ذَلِكَ: آن (برای مؤنث) اُولَئِكَ: آنها  
(هم برای مذکر هم برای مؤنث) هَؤُلَاءِ: این ها (هم برای مذکر هم برای مؤنث)

موصول: اسمی است که در فارسی معنی «که» «چون» میدهد. اما در عربی مفرد و جمع و تثنیه و مذکر و مؤنث دارد. موصول با عبارتند از:

الَّذِي: که کسی که چیزی که (برای مذکر) الَّتِي: که کسی که چیزی که (برای مؤنث) الَّذِينَ: که کفی که. افرادی که شما می که  
در برای مذکر اَللّٰهُنَّ: اللّٰهُنَّ: اللّٰهُنَّ: که کفی که. افرادی که شما می که. (برای مؤنث) مَنْ: کسی که. هر کس که کفی که. چه کسی چه کفی  
مَا: چیزی که آنچه. چیزی چیزی هر چیز

علامت جمع دو نفری تثنیه: حرف «ا» عودت یا ضمیر جمع دو نفری یا تثنیه است مثل اَنْتُمْ: شما اَنْتُمَا: شما دو نفر هُمَا: آنها (دو نفر)  
هُم: آنها كُمْ: شما كُمَا: شما دو نفر قَالُوا: گفتند قَالَا: گفتند (دو نفر) كُنْتُمْ: بودید كُنْتُمَا: بودید (دو نفر)  
يَقُولُونَ: میگویند يَقُولَانِ: میگویند (دو نفر) يَعْلَمُونَ: میدانند يَعْلَمَانِ: میدانند (دو نفر) اسْتَجِدُّوا: استجده کنید اسْتَجِدُّوا: استجده کنید  
(دو نفر) مُؤْمِنُونَ: فرود ايمان مؤْمِنَانِ: فرود ايمان (دو نفر)

ترتیب سوره های قرآن:

برای اینکه جای هر سوره ای را در قرآن بدانیم بهترین ترتیب سوره های قرآن را باید بگیریم.

چون سوره انفصام ۱۱۱ قرآن آخرتبه اول یونس ۱۰۹ قرآن آخرتبه اول طه ۲۰ قرآن آخرتبه اول لقمان ۳۱ قرآن  
آخرتبه اول مؤمن ۲۴۱ قرآن آخرتبه اول حده ۱۸ قرآن است. (با ترتیب سوره) ۱- احمد ۲- بقره ۳- آل عمران ۴- بقره  
۵- مائده ۶- انفصام ۷- آخرت ۸- انفال ۹- توبه ۱۰- یونس

## آشنائی با قرآن ۴۷

مشرکین:

خداوند در آیه ۶۱ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید:

لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَنْ خَلَقَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ

اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمان و زمین را خلق کرد و خورشید و ماه را منم نمودند میگویند الله.

مشرکین که مابعد آنهاست پرست میگویند نمیفهمند این بت‌هایی که مابعد خود خدایم خدا هستند و جهان را خلق کرده اند یا در خلقت جهان با خداوند شریک بوده اند.

آنها چنین حرفی نمی‌زنند و چنین ادعائی نمی‌کنند. آنها اینقدر کم عقل نبودند که بت خود را خالق جهان بدانند. این اشتباه کاری را برای ما کرده اند که ما متوجه

شرک اصلی که بیشتر مردم گرفتار آنند نشویم. می‌بینیم که قرآن می‌فرماید آنها معتقد به الله بودند و او را خالق جهان و تسخیر کننده خورشید و ماه میدانستند.

خداوند در آیه ۶۳ عنکبوت سوره ۲۹ میفرماید:

لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ

اگر از آنها بپرسی چه کسی باران را از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را بعد از مرگش زنده کرده تمام میگویند الله.

می‌بینیم که آسمان نمی‌گفتند این بت‌هایی که مابعد خدایم باران را نازل میکنند تا زمین پس از خشک شدنش دوباره زنده و پر از گیاه شود و روزی ما و چهارپایانمان فرزادیم

شود. می‌بینیم که قرآن صریحاً می‌فرماید مشرکین چنین ادعائی نداشتند و چنین حرفی نمی‌زدند. پس علت شرکشان چه بود؟ بگردن نگاه کنیم تا شرک آنها را از نظر قرآن بفهمیم.

خداوند در آیه ۱۸ ایلوس سوره ۱۰ میفرماید:

لَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ، وَيَقُولُونَ هُوَ اللَّهُ مَعَنَا وَنَا عِنْدَ اللَّهِ

غیر از الله چیزهایی را بندگی میکنند که ضرر و نفعی به آنها نمی‌زند؛ ولی میگویند اینها شافع ما پیش الله هستند.

می‌بینیم که مشرک آنها و عبادت دیندگی و اظهار کوچکی و حقارت در پیش بت‌هایی برای این بود که آنها را شافع خود در پیش خداوند میدانستند. چون به احتمال

قوی میفهمند ما اینها را می‌پرستیم و دردی رفتن به درگاه خداوند را نداریم. ما اینها را در کنار خود می‌پرستیم و خداوند قرار میدهد بهم. شاید آنها را نشاندای از مردان پاک

درگذشته اجتماع خود میدادند و شاید هم برای تمرکز ذهنی چنین کاری میکردند. ولی میدانیم به هر صورتی که بوده آنها را شافع خود در پیش خداوند قرار میدادند تا شرک خداوند را

خداوند برای جوگیری از این طرز فکر عطا

در آیه ۱۶ آق بوره ۵۰ میفرماید:

سلاطین

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ، وَنَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ، وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

ما انسان را خلق کردیم و چیزهایی را که در گوش او را به آن گوشه میگویند میدانیم؛ و ما از رگ کردن به او نزدیکتر هستیم.

مسئله این حقیقتی است که خداوند بیان میکند چون خداوند همیشه ناظر اعمال و گفتار ما هست و از نیت و قصد ما هم کامل خبر دارد. چنین خدائی چه احتیاجی

به شفیع و واسطه دارد. بقول سعدی: «دوست نزدیکتر از من بمن است دین عجب تر که من از او دورم. چه کنم با که توان گفت که دوست

در گن من و من بجوم ۱۱۰» چون قرآن خداوند را بصیر و جمیع و عظیم به آنجی در دل و مغز انسان میگذرد معرفی میکند به آیه ۹۶ و ۱۲۷ بقره سوره آ آیه ۱۱۹ آل عمران نگاه کنید.

خداوند در آیه ۹۰ غافر تا من بوره میفرماید:

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

مرا به گم بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم.

عبادت

در آیه ۱۸۶ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

دعوت کننده

بخواند مرا

جایای (عنا) آمده

دعوتی بندگان من در باره من از تو سوا ال میگویند، بگو که من به آنها نزدیکم، دعای و عاکنده را وقتی مرا بطلبند اجابت میکنم.

میدانیم که خداوند دروغ نمیگوید و وعده دروغ نمیدهد. فقط باید دعای شخص از صمیم قلب و توجه کامل باشد. ثانیاً شخص برای آن کار کند و ولطفه خود را انجام دهد.

علی علیه السلام در نامه ۳۱ منبع ابلاغه به امام حسن میفرماید:

وَاعْلَمُ أَنَّ الَّذِي يَبْدُو خِزَانِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَذِنَ لَكَ فِي الدَّعَا وَتَلْفَلُ بِالْإِجَابَةِ وَأَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَ لِيُعْطِيكَ وَتَسْتَرْحِمُهُ لِيُحْكَمَكَ

وَلَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مِنْ مَحْجَبَةٍ عِنْدَكَ وَلَمْ يَلْبَسْكَ إِلَيَّ مِنْ تَشْفِيعَ لَكَ إِلَيْهِ. «بدان که آن کسی که خزان آسمان و زمین در دست او است به

تو اجازه و دعا داده و ضامن اجابت آن هم شده؛ و چه تو در تورا داده که از او بخواهی تا به تو عطا کند و از او طلب هم کنی تا به تو رحم کند و بین تو و خودش پرده داری

قرار داده که او را از توجها کند، و تورا مجبور کرده که شومس به کسی تویی تشفیع تو در پیش او تود.» و میفرماید: «اگر کار بدی کردی تورا از توبه کردن منع نکرده.»

## آشنائی با قرآن ۸۴

طاعت:

خداوند در آیه ۳۶ نحل سوره ۱۶ میفرماید:

لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاَ اِنْ اَعْبَدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنَبُوا الطّٰغُوتَ.

بِسْمِ الرَّسُولِ فَرَسَا دِيمُ كَمَا اللّٰهُ رَابِذُ كِي كُنِبِدُ وَاِز طَاغُوتَ اجْتِنَابُ كُنِبِدُ.

طاعت یعنی طغیانگر یعنی هر کسی در هر دین و هر زمانی که در مقابل خداوند طغیان کند و نظر و توری برخلاف دستور و نظر خداوند بدهد و بخواهد دیگران از نظر و دستور او پیروی کنند. در این آیه می بینیم که خداوند میفرماید: «در پیغمبران را برای این فرستادیم که مردم از اطاعت طاعت خارج شوند و بنده خدا باشند و از دستور و نظر او پیروی و اطاعت کنند. می دانیم که آنی که بقدرتی میرسد طغیان میکند و میخواهد مردم از نظر و دستور آنها بدون چون و چرا اطاعت کنند»

چون خداوند در آیه ۷۰ و ۷۱ علق میفرماید:

اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِٖ لَکٰفِرٌ اِنَّا لَنَرٰهُ اَسْفٰهًا.

ببیند

انسان چون خود را بی نیاز از پند خداوند طغیان میکند.

چون انسان موجودی است جاندار و تمام جانداران این غریزه را دارند که میخواهند بر کاری که دشمنی است بکنند و در کار خود اختیار کامل داشته باشند و دیگران در

مقابل آنها میل آنهاست محض باشند. آن بخواهد بر دستور و نظری که داد دیگران بدون چون و چرا از آن اطاعت کند آنی که به قدرت برده اند این را نشان داده اند.

خداوند در آیه ۱۷ از سوره ۳۹ میفرماید:

الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطّٰغُوتَ اِنْ يَّعْبُدُوْهُ اَدْبَابًا وَّ اِلٰهًا اِلَّا اللّٰهُ لَمَّ الْبَشَرِیَّ.

کسانی که از بندگی طاعت اجتناب کردند و بسوی خدا برگشتند و در بندگی

بندگی طاعت باعث جنگهای بزرگ جهانی و حتی قتل عام شهروندان و قبیله ها و مردم شده. چون این بندگی، و اظهار کوچکی و اطاعت بی بدون چون و چراست که افراد

را در یک نور فوق قانون می سازد و فرمان آنها قانون شناخته میشود و تخلف از فرمان آنها سخت ترین مجازات را در پی خواهد داشت. چیزی که آنها را با او میسازد و است ای دیگر کوچک

و بزرگ را این اظهار ارادت و حقارت و اطاعت بی بدون چون و چرا است و کثرت و کثرت آن را در این عالم با تملی این بندگی

وجود آورده

انها نمازگرمی که اسم  
عطر است ساکن در حرم

خداوند در آیه ۲۵۶ بقره سوره ۲ میفرماید:

مَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا.

هر کس منکر طاغوت شود و به الله ایمان آورد بیست و نهمین حکمی که باره شدنی نیست حبسیده.

تأدقی مردم ایمان واقعی به الله (خدا) آفریننده جهان و صاحب اختیار واقعی بشود تمام ذرات جهان میاورند و وضع جهان همین خواهد بود و قدرت مطلقان تباری بی زنده ماندن آنها آن به

قدرت برسانند و برگردان مردم در او شود و هر کاری که خواسته باشند و قانون بازگردد است آنها باشد و بیا یک لغت و برخاست هر چیزی را که خواسته لباس قانونی پوشانند.

در صورتیکه ایمان به الله (خدا) ایمان بر پیغمبران و آخرت و کتابهای آسمانی و واسطه های روحی (فرشتگان) را در پی دارد و همه پیغمبران را بر پیغمبریک خدا میداند.

خداوند در آیه ۱۳۶ ان سوره ۴ میفرماید:

مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا.

هر کس منکر الله و فرشتگانش و کتابهایش و پیغمبرانش در روز آخرت شود جلی گمراه شده.

چون کسی که بنده خدا شود و منکر خدا و پیغمبرانش شود ناچار ایرادیکه تورانی میشود که برگردان مردم سوار میشوند. و چون همگی نمیتوانند به تنهایی بقدرت برسند، دارد و در نتیجه هم که او را به قدرت

رسیده اند نیز به قدرت میرسند و برگردان مردم سوار میشوند. و چون همه افراد بنده یک نفر نمیشوند همه خدا با آن زیادی بوجود می آیند که برای کسب قدرت بیشتر بجان هم می افتند و در نتیجه

جنگهای بزرگ تاریخ بوجود می آید و میلیون ها نفر در این جنگها کشته میشوند. چه کار پس از این بالاتر که این قدر اثر نفی و بیدینی میلیون ها انسان را بکشتن برده؟!

خداوند در آیه ۶۳ بقره سوره ۹۶ آمده با کلمه خذوا ف میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ، مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا، فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

مسلمانان و یهودیان و مسیحیان و صابئین ها، بطور کلی کسی که به الله در روز آخرت

ایمان آوردند و کار درست کردند پاداشش بیش حساب خیراتش محفوظ است سراسری دارنده نه غصبی.

می بینیم که اسلام بعضی بدین افراد ندارد بلکه آن ایمان به خدا در روز آخرت و عمل صالح کار درست (افراد) است خداوند در آیه ۱۳۳ بقره سوره ۲ میفرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ... إِنَّ الْكُفْرَ كَبُرَ

عِنْدَ اللَّهِ أَفْئِكُمْ... (ای مردم... اگر اوستی ترین شماست خدا کسی است که پرهیز کارتر باشد...)، لذا می بینیم (زنی طاریت و فرزند ولایت هم فرقی بین افراد بشر قابل نیست مگر در این تقوی است

پس جنگهای ملی دینداری از نظر دین مطرود و غلط است.



آشنائی با قرآن ۴۹

فریکاران

خداوند در آیه ۶۳ بقره سوره میفرماید:

إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

معبود شما معبود یگانه ای است معبودی غیر از او که بخشنده و مهربان است و وجود ندارد.

دین برپاس تو حیدر نباشد، دین آمده که مردم را از بندگی انسانی چون خود خارج کند. در صورتیکه در امر دنیا هنوز انسان بنده انسانی مثل خود هستند.

سفاش علی ع: علی علیه السلام امام اول شیعیان و خلیفه چهارم و صحابی بزرگ پیغمبر نامه ۳۱ بیخ البرزخ در سفاش به فرزندش امام حسن ع میفرماید:

لَا تَكُنْ عَبْدًا عَيْنِيكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا

بنده کسی نباش که تو را آزاد آفریده.

ولی در امر جهان می بینیم که انسان با مدت خود طوق بندگی این دکان را بگردانند و فریکاران بنام روحانی و پیر و قطب در هر ضرب و فلک و شاعر

و افسوس... برگردند مردم سوارند در توری که نمیدهند در میان بدن چون و چرا انجام میدهند. در آیه ۱۰۶ یوسف سوره ۱۲ میفرماید: مَا يُؤْمِنُ الْكُفْرُ بِاللَّهِ

إِلَّا اللَّهُ مُشْرِكُونَ. «بیشتر مردم در حالی به الله ایمان می آورند که هنوز شریک هستند.» چون از یکطرف حکومت و فرمانروایان و از یکطرف روحانی

نمایان دین فردش دکاندار مردم را فریب میدهند در صورتیکه خداوند در آیه ۷۰ اسراء (بنی اسرائیل) سوره ۱۷ میفرماید: لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ: «ما فرزندان آدم

را تکریم کردیم.» بزرگ داشتیم و بی خود آنها بدست خود طوق بندگی انسانی مثل خود را بگردانند بخشنده چون انسان جهول «بسیار نادان» است در روی نادانی

و نفسی خود کارهایی میکند که صدقه آن را بعد از بخورد. بادت خود به تیل در استاین و فرعون میسازد و در تیر میبویان انسان را به خاک و خون میکشد. دین آمده که انسان

متوجه شخصیت واقعی درونی خود شوند و مریدانی در مقابل همگی هیچ چیز جز خداوند خالق جهان نمیکنند. خالق که همیشه بی بنده خود ندارد. اگر بقول

مادریول (ماتریالیست) خدائی در کار نباشد. دین آمده است که انسان بنده کسی مثل خود نباشد. البته میدانیم که این بندهگان اسیر و در بند چهل برای کار خود بهانه

انسانی می آورند تا بندگی خود را توجیه کنند. دلی آنها مثل است عتی هستند که وقتی کسی بخوابد به آنها کتک میکنند میگویند: «وَلَمْ كُنْ مِنْكُمْ شَيْئًا»

یعنی در حالی که غرق بندگی هستند خود را آزاد میدانند. در شان لا ط دملوط مولوی است که وقتی لوطی به او میگوید این خنجر چیست که به کمر بسته ای میگوید:

این را بگفته ام که اگر کسی نظرسوئی بمن داشته باشد با این خنجر شمش را پاره کنم. به این خود با خنجران فریب خورده باید گفت: تو خودت، خودت را دست کم گرفته ای.  
مطابق شری که از علی علیه السلام نقل میکنند: **اتْرَعِمُ اَنْتَ جِرْمَ صَغِيرٍ وَفِيكَ الْعَطْوَى الْعَالَمُ الْاَلْبَرُ**. (آیا خیال میکنی که موجود کوچکی بجزی

هستی؟! در صورتیکه دنیای بزرگی در وجود تو پیمیده شده. استوداد عالمی که در تو نهاده شده بی پایان است تو بیواتنی بزرگترین دشمنان بزرگترین دروغساز،  
بزرگترین مخزن، بزرگترین هنرمند، بزرگترین دانا، بزرگترین فیلسوف، بزرگترین شاعر، تو بیواتنی به هر مقامی که بکنند در جهان رسیده برسی. این استوداد در وجود  
تو هست. تو خودت، خودت را دست کم گرفته ای و در شان بوس این دان شده ای. این به تو بستگی دارد که یک جوهر است به خرج دهی و فعالیت د

گوش لازم را بکنی. تو را تحقیر کرده اند و تو هم پذیرفته ای که حقیر باشی همی همانطور که خداوند درباره فرعون و قوش در آیه ۵۴ ترخوف سوره ۴۳ میفرماید،

**اسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ. اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ.**

قوش را تحقیر کرد از رقیبه از او اطاعت کردند. چون افرادی بودند که از حکم خداوند اطاعت نمیکردند.

چون خداوند در آیه ۶۵ پس سوره ۳۶ میفرماید: **وَائْتِكُمْ**

**لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ. اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. وَاِنَّ اَعْبَادِي هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ.**

بند شیطان نشوید. چون دشمن آشکار شماست. بندگی مرا بکنید. راه راست این است.

شیطان ای آشنائی که این را با این بندگی با او سرگردان شود و میبندد زیادند. چون خداوند در آیه ۱۱۲ انعام سوره ۶ میفرماید:

فریب  
مغزور  
خورد  
ز خوف  
آرا  
نسیاج

**كَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِیْنَ الْاِنْسِ وَالْجِنِّ. يُوحِيْ بَعْضُهُمْ اِلَى بَعْضٍ ذُرِّيَّةَ عُزْرَةَ**

به این ترتیب برای هر پیغمبری شیطان ای آشنائی دشمنی را دشمن خشم که بعضی از آنها برای فریب دیگران همچنان زیباتنی را با آنها القا میکنند.

لذا همیشه تلاش میزبان توسط این فریبکاران به بدر رفته است. چون افراد بشر طبیعتاً تبیل هستند و میخوانند دیگران لقمه را بچونند و با آنان بگذارند. یعنی بجای

اینکه خویشان کتاب الهی خود را بخوانند و بفهمند خداوندشان به آنها چه بگوید اینکار را به دیگران محول میکنند تا آنها بخوانند و بفهمند و آنها بگویند و توجه ندارند که فریبکاران

بی اطلاع از این نادانی و حسن نیت آنها بود و آنها میکنند و هر چه خواستند به آنها میگویند و آنها هم بعفت بی اطلاع از آن را با حسن نیت می پذیرند و بجای لقمه معصود

سرازتر گشتن بدر می آورند. دیدار آن واقعی باید این حقیقت را در ما بگذارد و خودشان کتاب الهی خود را بخوانند و بفهمند و دیگران را با اینکار آتشوق کنند تا فریب فریبکاران را نخورند.

# آشنائی با قرآن ۵۰

هوی پرستی:

خداوند در آیه ۳۴ قرآن بفرماید:

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ، أَفَأَنْتَ تَلْوَنَ عَلَيْهِ وَيَلْبَسُ؟

آیا کسی را که دلخواه خود را معبود خوب خست دیدی آیا تو دلیل ادبستی؟

مردم معمولاً روی هوی حیوانی خود تابع هوی هموس های خود و بنده دل و دلخواه خود هستند. چون آن طبیعتاً موجود زنده ای است مثل قبیله موجودات زنده ای که خدا آفریده هر موجود زنده ای بخواهد هر کاری که دش خواست بکند در میزان مطابق میل دلخواه او عمل کند. جنگ دائمی بین حیوانات را برای کسب قدرت و تصرف از خوراک دشمنان جنگ بر سر ماده های بینیم، انسان بخواهد هر کاری که دش خواست بکند بکنند و بکنند هم به ادراک می نگیرد و هر دتوری که داد بدون چون و چرا اجرا شود. این جنگ در خانواده، در محل، در بین قبائل، بین محلات، بین شهرها، بین کشورها، بین احزاب، در داخل حزب های بینیم، چه بطور آشکار باشد چه پنهان این بخواهد هیچ قانونی او را محدود نکند و آزاد از هر قید و بندی باشد. ولی فکر نکنند که اگر دیگران بخواهند قید و بندی نداشته باشند چه بلایی بر سر آدمی آورند و چه وضع در روزگاری خواهد داشت. دیندار واقعی این حقیقت را می شناسد و میدانند باید انسان ها مهار شوند و محدود گردند یعنی قانون بر آنها حکومت کند. دیندار واقعی میدانند اگر قریب به اتفاق مردم از کفری هستند که میخواهند هر کاری که دش خواست بکنند. لذا میدانند برای جلوگیری از آنها باید اولاً افراد را با حکمت و بصیرت با این طبیعت زنی افراد بشناسند. ثانیاً به آنها فهماند که باید برای مهار افراد که میخواهند قید و بندی نداشته باشند متحد شوند. ثالثاً چنین افرادی را نسبت به هر چه بیشتر تنبیه کرد تا کفری که برای دیگران حقیقی قابل نیستند از ترس مجازات به حقوق دیگران تجاوز نکنند و حقوق انسان ها محفوظ بماند. البته باید متوجه هوی حیوانی خود باشند و در زیر که مهار آن بکنند.

دستور خداوند:

خداوند در آیه ۸ احزاب بفرماید:

جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ، فَاتَّبِعْهَا، وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

تو را بر شریعتی از دین قرار دادیم، بنا بر این از آن پیروی کن، و از دلخواه افراد نادان پیروی نکن.

این دتوری است که خداوند پیغمبر خود میدهد و امروز هر مسلمانی باید از این دستور پیروی کند. چون اعمال پیغمبر برای هر فرد با ایمان و سلامتی سرش را نکند و نمونه است چون

خداوند در آیه ۲۱ احزاب سوره ۳۳ میفرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ

وَعَمِلَ الصَّالِحَاتِ، سَبَّحُوا بُحْبُوحَةَ كُلِّ يَوْمٍ، وَلَمَّا جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ لِيُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ لِلنَّاسِ أَدَّبْتُمُوهُ إِحْسَانًا، سَلَامًا عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَلَهُمُ الْعَذَابُ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ.

هشدار خداوند:

خداوند در آیه ۲۷ سوره احزاب میفرماید:

لَيْسَ ابْتِغَاءَ أَهْوَاءِهِمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَّلِيٍّ وَلَا دَانٍ،

اگر بعد از اینکه علم برای تو حاصل شد از دشمنان آنان پیروی کردی هیچ یار و حافظی در مقابل خدا نداری.

و در آیه ۱۲۰ بقره میفرماید: «اگر بعد از اینکه علم برای تو حاصل شد از دشمنان آنان پیروی کردی هیچ یار و پشتیبانی در مقابل خدا نداری.» و آیه ۱۴۵ بقره میفرماید:

«اگر بعد از اینکه علم برای تو حاصل شد از دشمنان آنان پیروی کردی از افراد ستمکار خواهی بود.»

خداوند در آیه ۴۸ مائده میفرماید:

فَأَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ

بَيْنَ أَنهَا مَطْبُوقٌ إِنَّهُ اللَّهُ نَزَّلَ كِتَابَ الْإِنشَافِ عَلَى قَلْبِكَ فَخَلَّ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ اللَّهُ يَتْلِي آيَاتِهِ لِيُخْرِجَهُمْ مِنَ الْظُلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُخْرِجُونَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

خداوند در آیه ۴۹ مائده سوره ۵ میفرماید:

وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَن بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ

و بَيْنَ أَنهَا مَطْبُوقٌ إِنَّهُ اللَّهُ نَزَّلَ كِتَابَ الْإِنشَافِ عَلَى قَلْبِكَ فَخَلَّ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ اللَّهُ يَتْلِي آيَاتِهِ لِيُخْرِجَهُمْ مِنَ الْظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُخْرِجُونَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

خداوند در آیه ۶۵ بقره سوره میفرماید:

قُلْ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُمْ إِذَا مَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ،

بگو: من از دشمنان شما پیروی نمیکنم؛ چون اگر پیروی بکنم گمراه شده‌ام و از آن نمی‌دانم که راه صحیح است یا نه. خداوند شما را هدایت خواهد کرد.

انگاه

کجا بر جوی = احب در  
از رجاء = احب در  
بار جوع = بار گشت

فتنه = آشوب  
تذیب = آسایش  
فتنه = که اگر  
بیشتر معنی است  
معنی احزاب سوره

# آشنائی با قرآن ۵۱

خردمندان:

خداوند در آیه ۱۸ زمره ۳۹ میفرماید:

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ، فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.  
أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ، وَآوَلْنَا لَهُمْ أُولَئِكَ الْبَابَ

به آن دسته از بندگان من که به حرفهای من گوش میدهند و از بهترین حرفهای من پیروی میکنند، خبر بده.

چنین افرادی که فی‌الهی هستند که الله (خداوند) برایشان کرده، چنین افرادی خردمند هستند.

در این آیه می بینیم که خداوند به افرادی که اهل فکر کردن و اندیشیدن هستند خبر میدهد. خبر داده اند که راهشان صحیح است در روش در راه درست را انتخاب کرده اند؛ و

چنین افرادی عاقل و خردمند واقعی هستند، هدایت یعنی راهنمایی داشتن دادن راه صحیح در روش نمودن یعنی کردن میباشد ولی معنی نشان دادن هم میدهد.

راه غائی (راهنمایی) یعنی نشان دادن راه. هدای یعنی هدایت کرد. راهنمایی کرد. راه درست را نشان داد. هداییم الله یعنی الله (خداوند) راه صحیح را به آنها نشان داد.

خداوند در این آیه میفرماید چنین افرادی عاقل و خردمند هستند. یعنی کارهای آنها در روش آنها درست است و عاقلانه کار میکنند. مسلمان واقعی چنین هستند. یعنی به حرفها

گوش میدهند و بهترین معنی را می پذیرند و از آن پیروی میکنند. ولی بارها در تفسیر معنی درست اشتباه میکنند. ولی بارها اشتباه خود را با معنی درست ترفیح میکنند؛ چون هیچ کس کامل

و دانشمند به دنیا نمی آید. می بینیم علی علیه السلام اهل بیت و صحابی بزرگ پیغمبر که در خانه پیغمبر بزرگ شده در وصیت به امام حسن در نامه ۳۱

نوح البلاغه میفرماید: اِنَّ اسْتَكْلَ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِّنْ ذٰلِكَ فَاَجْلِهْهُ عَلٰى جِهَاتِكَ بِهِ؛ فَاِنَّكَ اَدْلُ مَا خُلِقْتَ، خُلِقْتَ جَاهِلًا، ثُمَّ عَلِمْتَ،

وَمَا التُّرْمَا جَهْلٌ مِّنَ الْاَمْرِ، وَتَجْمِيْرُ فِیْهِ رَاٰیكَ... در اثر چیزی از آنها بر تو شکل (پسیده) بود، آن را به نادانی غارت عمل کن؛ چون تو وقتی بدنیای آمدی،

نادان بدنیای آمدی. بعد تو یاد داده شد. و چیزی را نمی توانی که هنوز ندانی از آن چیزی (و نظر و فکر) تو در آن حیران و تحیر و سرگردان است چه در زیادت است. این نامه ای که علی

علیه السلام به امام حسن علیه السلام در بارگشت از جنگ صفین می نویسد. و امام حسن ع در آن موقع در حدود ۳۵ سال داشته یعنی مردی کامل بوده. چون در مجموع رحمت پیغمبر

خدا ص از او رسیده بوده و ۲۵ سال به خلیفه اول خدمت کردند که میشود ۲۲ سال تا زمان خلیفه شدن علی ع و این نامه پس از جنگ صفین که مدتی پس از جنگ

جمل صورت گرفته نوشته شده یعنی در حدود ۳۵ سالگی امام حسن ع. علی ع در خطبه ۷۰ یا ۶۷ یا ۶۶ نوح البلاغه میفرماید: رَاٰی لَسْتُ فِيْ نَفْسِيْ لِقَوِّ اَنْ

اُخْلِیْ، وَلَا أَمِنَ ذَٰلِكَ مِنْ فِعْلِيْ. «من خود را بالاتر از خطا کردن نمیدانم و در کار ایم هم از خطا بمن نسیم.» تا دیگران چه بگویند و حرف علی علیه السلام را  
قبول داشته باشند یا نداشته باشند. خداوند در آیه ۱۱۶ سوره صافات میفرماید: **إِنْ تُطِيعِ التُّرْكَانَ فِي الْأَرْضِ، يُضِلُّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ، إِنَّكَ تَلْبَعُونَ**  
**إِلَّا الظَّنَّ، وَإِنَّ هُمُ إِلَّا يَحْضُونَ.** «اگر از بندگان فی که در زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا (الله) منحرف میکنند، آن فقط از گمان پروردی میکنند،  
و فقط حدس میزنند.» در آیه ۳۶ یونس سوره ۱۰ میفرماید: **بِاتِّبَاعِ الْكُرْهُمُ إِلَّا ظَنًّا. إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا.** «بترتیب آنها از گمان پروردی میکنند.  
گمان به اندازه ذره ای نشان را از حقیقت بی نیاز نمیکند.» باید تحقیق کرد تا معلوم شود آنچه بنظر رسیده درست است یا نه. نشان با راحت طلب دنبال هستند و از تحقیق  
که کار دشواری است گریزان هستند. نشان آفرین را بر تحقیق ترجیح میدهند. دلی از اظهار نظر خود در امری نمیکند. در تفسیر اظهار نظر فی که میشود اغلب بی پایه و بدون  
تحقیق و فقط از روی حدس و گمان صورت بگیرد. حتی در مورد دینی که خود را معتقد به آن معرفی میکنند اظهار عات لازم را ندارند و کتاب اصلی دین خود را مطالعه نکرده اند.  
و میکنند در صورتیکه موظف هستند آن را بخوانند و از آن اطلاع کامل و دقیق داشته باشند. چون خداوند در آیه ۳۳ سوره صافات میفرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمُ**  
**الْقُرْآنَ بِالْحَقِّ وَالْحَقُّ لَا يَأْتِيكُم بِالْحَقِّ إِلَّا بِالْبَيِّنَاتِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الضَّالِّينَ.** «از آنچه از صاحب اختیاران به شما نازل شده (وحی) کتاب مقدس است. قرآن پروردی کنید؛ و از اولیای دیگر  
پروردی نکنید؛ عده کمی متوجه این دستور میشوند.» در آیه ۴۴ سوره صافات میفرماید: **مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ، إِنَّا نُنزِلُ الْعَذَابَ عَلَيْهِمْ أَجْرًا فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كَفَرْتُمْ.**  
**إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمُ الْقُرْآنَ بِالْحَقِّ وَالْحَقُّ لَا يَأْتِيكُم بِالْحَقِّ إِلَّا بِالْبَيِّنَاتِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الضَّالِّينَ.** «ما اهل کتاب استمعی علی شیء من حقی القوم التوریه و الانجیل و ما انزل  
إلیکم من ربکم.» «کتاب الهی که کتاب دینی خود (تورات و انجیل و قرآن) است که از صاحب اختیاران به شما نازل شده) اما نمیکند. (مطابق آن عمل نکنید) دین نپذیرید.»  
و عیسی مسیح در شماره ۷: ۲۱ انجیل متی میفرماید: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید و داخل ملکوت آسمان شود بلکه آنکه اراده بدرد را که در آسمان است بجا آورد.»  
در شماره ۱۴: ۲۳ انجیل متی میفرماید: «اگر کسی بر محبت نماید محام مرا نگاه خواهد داشت.» در شماره ۱۴: ۱۵ متی میفرماید: «شما دست من بستید اگر آنچه  
به شما حکم میکنم بجا آرید.» برای اجرای قرآن یا انجیل باید شخص از آن اطلاع کامل داشته باشد. لذا دیدار واقعی کتاب دینی خود را با کمال دقت برای دستن احکام و  
نظراتی خداوند بخواند مخصوص که خداوند در آیه آخر سوره نزل سوره ۷۲ میفرماید: **فَأَقْرَأُوا الْقُرْآنَ عَلَی سَمْعِكُمْ وَلَا تَعْلَمُوا سِرَّ الْقُرْآنِ الَّذِي يَتْلُوهُ لِلْظَّالِمِينَ هَدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ یَعْلَمُونَ.** «در آیه ۲۴  
سوره صافات میفرماید: **أَفَلَا یَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَی قُلُوبِ أَفْعَالُهَا؟** «آیا یاد آیات قرآن نکرده اند و نشنیده نمیکنند یا بر دل با قفل زده شده؟» «سلمان و اقی  
تسیم حکم خداوند است نه نظر حکم شخص دیگری. در برای اینکه بتواند تسلیم حکم و نظر خداوند باشد باید از آن اطلاع کامل داشته باشد. لذا کتاب اصلی دین خود یعنی قرآن را بخواند»  
یا آنکه با کسی بیاید

## آشنائی با قرآن ۵۲

درستکاری:

خداوند در آیه ۶۲ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ،

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا

فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

کسی که ایمان آوردند (مسلمانان) و یهودیان و مسیحیان و صابئین،

بطور کلی کسی که به الله و روز آخرت ایمان آوردند و کار درست کردند،

پاداش آن پیش خداوندشان محفوظ است نه ترسی دارند نه غصه ای.

این نظر خداوند در قرآن است و مسلمان واقعی کسی است که بنظر خدای خداوند که در قرآن است ایمان و اعتماد کامل دارد و تسلیم آن است. چون میداند خداوند خالی از اشتباه

و دروغ است و آنچه میگوید درست و حقیقت است. خداوند در آیه ۶۹، سوره ۵ نیز این نظر را تکرار میکند. چون میدانیم که پیغمبران برای اصلاح اجتماع و جلب عدالت

در هر امر جهان آمده اند، همانطور که آیه ۸۸ سوره اعراف ۲۵ حدیث سوره ۵۷ میفرماید: شعیب بنی غیر خداوند گفت: مَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَيْكُمْ

عَنْهُ، إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَنْعَفْتُ، وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ. «در آنچه تمنا ما از آن نمی میکنم هر مخالفت با شما ندارم؛ من چیزی غیر از اصلاح

آنهم تا آنجا که بتوانم نمیخواهم. در موقعیت من در اینکار با الله (خداوند) است.» و خداوند میفرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ،

لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. «خداوند حقیقتاً پیغمبران را با دلیل های روشن فرستادیم و با ایشان کتابی و سینه نخبش نازل کردیم، برای اینکه مردم عادل باشند.» و دعوت

را بپادارند و در نیافتی بزند که در آن اثری از ظلم نباشد.» خداوند در آیه ۸۲ سوره بقره میفرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

کسی که ایمان آوردند و عمل درست کردند اهل بهشت هستند و همیشه در آن میمانند

این نظر خداوند است و مسلمان واقعی به آن ایمان کامل دارد. چون میداند همه پیغمبران برای اصلاح اجتماع آمده اند و اصلاح اجتماع تنها به کار درست و درستکاری افراد اجتماع دارد.

لذا با مال و جان خود و امر خدا و کلمات خود عاقبت نه دبا اتحاد و همکاری کلمه دینداران و اصلاح طلبان واقعی در راه اصلاح اجتماع کوشش میکند.

خداوند در آیه ۱۵ سوره بقره میفرماید:  $\leftarrow$  حَجْرَةٌ = اطاعت

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا

وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ.

افراد با ایمان فقط کسانی هستند که به الله و پیغمبرش ایمان آوردند و جاهرت کردند،

و با مال و جانشان در راه الله جهاد کردند، چنین افرادی در ادعای ایمان خود صادق هستند.

و خداوند در آیه ۴ صیف سوره ۶۱ میفرماید:  $\leftarrow$  کَرِهَ اللَّهُ مُشْرِكِيهِمْ

رصاص = قلع

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَاءً، كَمَا كَانُوا يُبَيِّنُونَ مَرْصُوعًا.

خداوند کسانی را که با بیچارگی و محنت در راه او بجنگند دوست دارد.

مسلمان واقعی میداند که همه پیغمبران برای اصلاح اجتماع در ضمن یک دنیای پاک آمده اند، دنیایی که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و فرود شدن شخصیت انسان نباشد.

دیدار برای اینکه باید متحد بود و از تفرقه خودداری کرد. و برای اینکه باید به کتاب الهی خود تکیه کند و هیچکس را شریک خداوند خویش نزد آن ننهد.

خداوند در آیه ۱۰۵ و ۱۰۳ آل عمران سوره ۳ میفرماید:

لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا، مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ.

مثل کسانی که پس از اینکه دلیل برای روشن برای آنها اند چهار تفرقه و اختلاف شدند نباشید.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.

همگی به رشته الهی (قرآن) بچسبید و تفرقه ننداشته باشید.

مسلمان واقعی تسلیم دستور خداوند است و از تفرقه و اختلاف فریزان است. چون میداند روشن دنیایی که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و فرود شدن شخصیت انسانها

نباشد و اجتماع به همکاری و هماهنگی تمام دینداران و اصلاح طلبان واقعی جهان دارد و اختلاف و تفرقه از این همکاری همگانی جوگیری میکند.



# آشنائی با قرآن ۵۳

مخالفان:

نزول = از بین رستن

خداوند در آیه ۲۱۷ بقره سوره ۲ میفرماید:

لَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اشْتَعَلُوا

همیشه با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شمارا از دینتان برگردانند.

این جنگ یعنی همیشه چه بطور آشکار چه پنهان بین قدرت طلبان و قدرتمندان دهنوی پرستان از یکطرف و دینداران و یکتا پرستان واقعی از یکطرف در سراسر دنیا وجود داشته و دارد و واقعی که دینداران و یکتا پرستان واقعی می‌شوند ادامه خواهد داشت. یکتا پرستان واقعی باید متحرک در راه نشوند و واقعی بگویند مردم را با دین واقعی و عرف عالی آن آشنا و متحرک کنند یعنی با آنها بفرمایند که دین آمده که دنیای پاک را باز کند در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جمل و خرد شدن شخصیت انسان نباشد. و آنها را متوجه کنند که انسان با طبیعتاً طاغوت و طغیانگر و بنده هواهای نفسانی و شیطان هستند فقط به اندازه قدرتی که دارند می‌توانند چون

خداوند در آیه ۶۷ معلق سوره ۹۶ میفرماید:

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ أَلَّا يَشْكُرَ

انسان چون خود را بی نیاز ببیند حتماً طغیانگر می‌گردد.

می بینیم که آیه استثنائی هم ندارد. لذا ما انسان دیندار واقعی نشود و متوجه خدا در روز آخرت نشود و خود را در مقابل خداوند مسئول ندانند چون بقدرت برسد طغیان میکنند. دینداران واقعی همیشه خود را نیازمند کار بدست (عمل صالح) و عامل برحق بودن میدانند تا بهشت بجای آورده شود. این مخالفان ۶ گانه هستند که عبارتند از سلطنت ۴ یعنی کسی که به قدرت رسیده اند. درباریان یعنی دار و دسته ای که حکومت را بقدرت رسانده اند و پشتیبان و نگهدار آنها هستند. ۳ گروهی که قدرت به آنها قدرت خیلی کار را داده و روحانی نمائی که مردم به آنها ارادت دارند و هر حکمی که بنام دین بکنند ارادتشان اجرا میکنند و ۵ حیره خواران و قریب خوردگان آنها. خداوند درباره

در آیه ۲۴ نازعات سوره ۷۹ میفرماید گفت:

زعمون که منظر حکومت است

أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى

من صاحب اختیارم فوق شما هستم.

در آیه ۲۹ شراعی به موسی میگوید:

لَئِنْ أَخَذْتِ الْإِثْمَ عَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُورِينَ

بسیحس = زندان

اگر معبودی غیر از من بگیری تو را زندانی میکنم.

دسته دوم ملا با اشراف یاد بر بیان هستند که خداوند در باره آنها در آیه ۱۲۷ اعراف سوره ۷ میفرماید:

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ يَا نَذِرْكَ وَالْهَتَّك؟

الها نء حصيد

اشراف قوم فرعون گفتند آیا موسی و قویش را وا میداری که در زمین فساد کنند و تو خدا یان تو را ترک کنند؟

چون بگفتند این با عرقهای خود در دستگی ایجاد میکنند در دم بجان هم می افتند و نظم جامعه بهم می خورد. آیه ۹۰ و ۶۶ و ۷۵ و ۸۸ و ۹۰ و ۹۱ اعراف هم نگاه کنید.

خداوند در باره لشکریان فرعون (حکومت) در آیه ۳۹ قصص میفرماید:

اَسْتَدْبِرُ هُوَ وَجُنُودِهِ فِي الْأَرْضِ بَعِيرِ الْحَقِّ

فرعون لشکرش را در زمین بزرگ میگرداند.

تشریف = شرد کند → در باره شردنندگان (مشرکین) در آیه ۳۴ سوره ۴ میفرماید:

مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِكُمْ أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَا فِرْعُونَ

در هیچ شهری هشدار دهنده ای نفرستادیم مگر اینکه شردنندگان آن گفتند: ما را بتی که شما دارید قبول نداریم.

در باره روحانی نماز (چهار وجهیان) در آیه ۳۴ توبه سوره ۹ میفرماید:

إِنَّ أَكْثِرَ مَنْ الْأَجْرَارِ وَالرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيُصَدِّقُونَ عَنِ اللَّهِ

سرد کردن، جلد زدن

عده زیادی از دشمنان دینی در زبان دینشان مال مردم را با باطی میخورند و مردم را از راه خدا باز میگردانند.

در باره فریب خوردگان در آیه ۶۹ نهم سوره ۹ میفرماید: كَذَّبَ بِهٖ قَوْمٌ كَذَّبَتْ لَهُمْ مَثَلًا وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ بِعِلْمِكُمْ بِوَلِيٍّ

قوم تو قرآن را تکذیب کردند، در صورتی که حق است، بلو من و دلیل شما نیستم.

# آشنایی با قرآن ۵۴

مخالفت ها:

خداوند در آیه ۲۱۷ بقره سوره میفرماید:

لَا يَزَالُونَ يُعَارِضُوكُمْ حَتَّىٰ يُبَدِّلُوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اِسْتَضَاعُوا.

همیشه با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شمار از دینتان برگردانند.

این جنگ همیشه وجود داشته و دارد و خواهد داشت تا وقتی که دینداران واقعی با شناختن دین واقعی با هم متحد شوند و سعی کنند کلیه افراد بشر را با دین واقعی آشنا کنند.

این جنگ بصورت های مختلف وجود داشته و دارد و خواهد داشت از قبیل تحقیر، ایگاد شک، امت، تهدید، آزار، قتل، جنگ گم و تحریف.

محوش کردن معنی

خداوند درباره تحقیر در آیه ۴۱ فرقان سوره میفرماید:

اِذَا رَاوُكُ اِنْ يَتَّبِعُونَكَ الْاَهْرَاقَ اِهْدِ الَّذِي بَعَثَ اللهُ رَسُوْلًا؟

وقتی تو را ببینند تو را به سخره بگیرند که آیا این کسی است که خداوند بیست فرستاده؟

حقیق = در بر آتش  
صفاق به = خراشیده

خداوند در آیه ۱۰ انعام سوره میفرماید:

لَقَدْ اَسْتَشْرَفْنَا لِرَسُوْلِكَ مِنْ قَبْلِكَ، فَحَاقَ بِالَّذِي سَعَا وَرَدْتُمْ مَكَانُوْهُ اِلَيْسَ هَذَا رَسُوْلًا؟

استيضاح = مورد سوال  
و مورد اخذ قرار گرفتن

پس ما قبل از تو سخره شدیم، در نتیجه همان چیزی که مورد اعتراض آنها بود در این کتابی را که آن را سخره میکردند گرفت.

در حاله  
واو حاله =

خداوند درباره ایگاد شک در آیه ۷۸ پس سوره میفرماید:

صَرَبْنَا نَمْرًا وَرَسُوْلًا حَلَقًا، قَالَ مَنْ هِيَ الْعِظَامُ الَّتِي فِي رِجْلَيْهِ؟

برسیم = یوسیده

کسره (میل) صدای غنی (زنگ) میدهد

برای ما مثل زرد و خنثی خودش را فراموش کرد گفت این استخوان های پوسیده را چه کسی زنده میکند؟

لحوق کردن  
آس =

انشاء = ایجاد کردن

خداوند در آیه ۷۹ پس سوره میفرماید:

رَاٰتٍ = رفات  
بار، دفت

قَالَ كَيْفَ هِيَ الَّتِي اَنْشَاَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ؛ وَهِيَ كُلُّ حَلَقٍ عَلِيمٍ

تَقُوْلُ = حَلُوْدِي  
يَقُوْلُوْنَ = سَلُوْدِي  
لَيَقُوْلُوْنَ  
لَيَقُوْلُوْنَ

پس شما را همان کسی زنده میکند که اولین بار شما را بوجود آورد و هر نوع خلقی را میداند.

ن تالیه و راه = تبدیل میکنه و فون راه و تبدیل میکنه

خداوند در سوره نهم آیه ۶ میفرماید:

قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نَزَّلَ عَلَيْهِ الْكِتَابُ إِنَّا لَنَجِدُونَ

گفتند ای کسی که ذکر بر تو نازل شده تو دیوانه ای.

ضعف

دسته (جمع یک چیزی) مثل دسته میوه

خداوند در آیه ۱۵ انبیاء سوره ۲۱ میفرماید:

قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ، بَلِ انْفُسُهُمْ، بَلِ هُمْ شَاعِرُونَ

گفتند خوابهای اشتباهی است یا خود ادرهم کرده، بلکه اوست عویال.

در هم بر هم، پیریشان

خوابها  
حلم  
احتمال = خواب

با متن (در وعی که سر هم میکنند)

خداوند در آیه ۲۴ نحل سوره ۶ میفرماید:

إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ، قَالُوا أَسْمَاءُ بِلَالٍ الْأَوَّلِينَ

جمع  
له اسطوره = داستان

دقیقی به آنها گفته شود صاحب خیالمان چه چیزی نازل کرده میگوید داستانهای از آفرینش.

مطابق آیه ۲۴ سوره نحل ۲۳ «اشراف قوم نوح گفتند: ادب نسی مثل شایسته بیخود بزرگی پیدا کردند» در نوح سوره ۱۰۵ «و فرعون درباره موسی در آیه ۳۵ شرا سوره ۶ میگوید: «موسی بیخود با سحر خودش

شمار از مرزین خورتان بیرون کند» در آیه ۷۸ یونس به موسی میگوید: «آیا آمده ای که ما را از دینی که پدرمان بر آن بودند منحرف کنی و عظمت مال شایسته»

خداوند در آیه ۱۰۳ نحل سوره ۶ میفرماید:

يَقُولُونَ إِنَّمَا عَلَّمَتُنَا لِسَانُ الَّذِي يُلْحِقُونَ بِاللَّهِ الْعَجْزِيَّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ

لحمه ماده دست، عطاء  
خارج، اشاره  
تسلیل سینه ها، اشاره به

میگویند کسی قرآن را به او یاد داده. زبان کسی که میگوید اینکار را کرده عربی است در صورتی که قرآن به زبان عربی است.

خداوند در آیه ۴۶ مريم سوره ۱۱۶ و ۱۶۷ «اشراف سوره ۲۶ در باره آینه به ابراهیم نوح دلاط گفتند میفرماید: «پدر ابراهیم به او گفت اگر از خدایان (عبود) بت های امن رد کردن با شکی تو را

سنگ در بکنم» و گفتند ای نوح اگر از این حرفت دست برداری سنگ زوای شدم» در ای نوح اگر از این حرفات بر ناری از شهر اخراج می شود» در آیه ۲۱ آل عمران سوره ۳ میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَكَانُوا كَانِفُوتًا، الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ النَّاسَ مِن بَعْدِ آلِ أَبِي هَارِمٍ،

بیک نیک که مکررات خدا پیشوند میفرمان و کسی را که امر بعد از آن میگویند با حق میکنند، خرد و عذاب در دنیا را بدو.

# آشنائی با قرآن ۵۵

کمان حقایق:

خداوند در آیه ۵۹ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ، مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ،  
أُولَٰئِكَ اللَّهُ يَلْعَنُهُمْ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ.

کسی که دلائل روشن در آسمانی؟ یعنی را که ما نازل کردیم، بعد از اینکه آن را برای مردم در کتاب بیان کردیم پنهان میکنند،  
(فردی) هستند که الله و تمام لعنت کنندگان آنها را لعنت میکنند.

بزرگترین خیانت و بیعت را به افراد بشر کسی کرده اند که حقایق دین و کتاب الهی را پنهان کرده اند و به مردم گفته اند: اینها از رفاه و آرامش فکری و سعادت واقعی محروم کرده اند. چون دین آمده است که دنیائی بسازد که از ظلم و فساد و فقر و جمل و خرد شدن شخصیت انسان در آن اثری نباشد. و خائنین که این خیانت را کرده اند؟ از زمین به چین دنیائی دریدن به سعادت واقعی محروم کرده اند. چه مردم و بیعت و خیانتی بالاتر از این میشود تصور کرد؟ خیانت و خیانتی که میلیون ها و میلیارد ها گشته و بشمار گزشت و شهر آلوده تا مازین را خراب کرده و ناموس را با باد داده است.

راه نجات:

خداوند در آیه ۶۰ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّاهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ اتَّوْبَ عَلَيْهِمْ، وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

غیر از آن کسی که از این کار دست برداشته و توبه کردند، من توبه آنها را می پذیرم. چون من توبه پذیر مهربان هستم.

همه کسانی که حقایق در آسمانی؟ یعنی که خداوند در کتاب خود برای مردم بیان کرده پنهان میکنند ملعون هستند مگر کسی که از این خیانت بزرگ دست بردارد و حقایق کتاب الهی را برای مردم بیان کند و به آنها بگوید که همه پنهان را بی غیرت خدا هستند و همه آنها برای این فرستاده شده اند که مردم عادل و صالح دین کار باشند و شخصیت خود و دیگران را محترم دارند و دنیائی بسازد که در آن نه شخصیت آنها مورد اذیت قرار گیرد و خرد شود نه شخصیت دیگران و در آن ظلم و فساد صورت گیرد و گرسنگی شب را صبح نکند. و به آنها بماند که سخن چنین دنیائی هیچجا به شناختن دین واقعی و بازگشت به کتاب الهی در کتاب همه دیدار آن جهان و با مال و جان خود نمیرد چون سندی آهین مبارزه کردن دارد پس. و به این تحقیق است که آن شود که سخن چنین دنیائی نفاق است و سکارا نام دارد و کار یک ل و دو سال نیست.

أَتُوبُ إِلَىٰ رَبِّكَ  
أَتُوبُ عَلَىٰ رَبِّكَ

تأمره (اعلال) عورت بوده که شده عات (ش عول که مسعود مان) آشنائی ۵۵

(مُردند)

خداوند در آیه ۱۶۱ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ لَعَنُوا أَوْلِيَاءَهُمْ لَفَأْوَادُهُمْ لَكَفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

کسی که حقیقتی کتاب الهی را پنهان کردند و در چنین حالی مردند افرادی هستند که لعنت خدا و تمام فرشتگان مردم بر آنها است

این نظر خداوند است و خداوند اشتباه میکند و دروغ میگوید. کسی که حقیقتی که در کتاب الهی است پنهان میکند و مردم را گمراه می کند و فرشتگان آنها را لعنت میکنند و تمام کسانی که در اثر ظلم و فساد و فقر و بیچارگی میگذرانند و یا فریاد جگر خراش میکنند دستها و پاها را زده اند لعنت میکنند.

خداوند در آیه ۱۶۲ بقره سوره ۲ میفرماید:

عجول بخاطر (سُ أُنزِلَ وَأُنزِلَ) خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخْفَىٰ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ

همیشه در این لعنت خواهند بود و عذاب آنها تخفیفی پیدا نمیکند و به آنها مهلتی داده نمیشود.

لعنت یعنی دور بودن از لطف و رحمت خداوند. همانطور که می بینیم عذاب آنها ابدی است و کوچکترین مهلتی به آنها داده نمیشود که نقطه ای از عذاب نجات یابند چون حیاتی که آنها کرده اند و میکنند تا ابد ادامه گیرند و عذاب آنها ابدی است. و کوچکترین ظلم و فساد و فقری که در جهان وجود داشته باشد نتیجه حیانت این افراد است.

خداوند در آیه ۱۷۴ بقره سوره ۲ میفرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَلْمُؤْنَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَسْتَرْدُونَ بِهٖ تَحْمِيلًا ۚ أُولَٰئِكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۗ إِنَّهُمْ عَادُوا لِلَّهِ مِنْهُم مَّغْرِبًا ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ لَكَاذِبُونَ ۗ

افراد کی هستند که آتش بیشکم خود میریزند. الله روز قیامت با آنها حرف نمیزند و پاکشان میکنند و عذاب دردناکی دارند.

چون این افراد از این راه بدست می آید آتشی است و هر چه با آن میخورد و میخورد آتشی است که میخورد و بیشکم خود میریزند. چنین افرادی روز قیامت مورد بی توپی

خداوند قرار میگیرند و خداوند به آنها توبه میگوید و با آنها حرف نمیزند. چنین افرادی همانطور که خداوند میفرماید عذاب دردناکی دارند. آیا پول و مقام و شهرتی که از این

راه بدست می آورند در مقابل عذاب ابدی دردناک ارزشی دارد؟ شما ارزشی ندارید و به معامله و خرید و فروش است.

لِحُكْمِ بُوْدِهِ كَهْ نَجَاطِرُ لِهْ شَدِّ لِحُكْمِ ①

(ماهی الله حرف اولی و دایره بیچون) آشنائی با قرآن ۵۶

(نجاظر و جرحل شده) خداوند در آیه ۲۳ آل عمران صوره ۳ میفرماید:

داوری کتاب الهی: (تقری بوده که می افتاده)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ آدُّوا أَنْصِيَابَ مِنَ الْكُتُبِ وَدَعَوْا إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ، ثُمَّ يُتَوَلَّوْنَ فِي رَبِّهِمْ دَعْوَاهُمْ وَمَعْرُضُونَ.

آیا که نمی را که بهره ای از کتاب به آنها داده شده بود ندیدی که از آنها دعوت میشود که کتاب خدا (الله) بین آنها داری کند، ولی بعدهای از آنها از اینکار خودداری میکنند و از قبول این داری دور گردان هستند.

اعراض = لوگرو داندن  
باز کردن  
باز کردن  
باز کردن

اگر کسی دقت کند بیشتر کند که ادعای دینداری میکنند از قبول حکم و نظر کتابی که خودش ندی هستند که آن را قبول دارند از آن پیروی میکنند خودداری میکنند. چون مطلب بی پایه و بی اساسی را بنام دین در این کتاب آن کتاب خوانده اند و در اثر بی اطلاعی از کتاب نبی خود آن را بنام دین پذیرفته اند. ولی در صورتیکه از کتاب دینی خودش حکم اطلاق عادی بدست آورده اند زیرا بار داری آن نمیدانند چون پیش حکم بی پایه و بی اساس بودن اعتقادات خود پی برده اند. چون همانطور که عدده لمطابق در آخر صفحه ۷۴ داخل صفحه ۷۵ کتاب «اسلام و تحلیلات واقعی بر عصر» میگوید: «یک عده مزدور ماده پرست که مورد ارادت عامه مردم بودند فکرو رایج بنی حقیقت شناسی را از مغز ایشان بیرون کشیده و با تزریق تلقین یک بسته افکار است و دلهای دبی اثر مرکزشان کردند.» در این افکار است دلهای دبی اثر دین همی اجتماع شده و معلوم مردم آن را دین میشناسند و حرفی که غیر از آن باشد بر روی دهنوس و بیعت میشناسند. همانطور که آیه الله مطهری در خط آخر صفحه ۱۸۴ کتاب «دختری درباره بر حقیقت و روحانیت مینویسد: در معلوم هر تازه ای را بدعت یا هوس میخوانند.» آنها از داری کتاب الهی دور گردانند ولی:

خداوند در آیه ۴۴ و ۴۹ مائده صوره میفرماید:

مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.

فصله ۳ آ: مائده  
با عین یعنی حرف  
کردن

کسی که مطابق با انزال الله (وحی) کتاب الهی حکم نکرده کافر هستند.

وَإِنْ أَحْكَمْتُمْ بَيْنَهُمْ يَأْتِ اللَّهُ وَلَا تَسْتَعِجْ أَهْوَاءَهُمْ وَاتَّخِذْ لَهُمْ أَنْ يَقْبَلُوا عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ.

بین آنها مطابق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از دعوای آنها پیروی نکن و مواظب باش که تو را از بعضی چیزهای که خدا تو را نازل کرده مخفی نکرده.

## آيات زير را معنی کنيد و علت اعراب آن را بيان کنيد.

کم من فئۃ قليلۃ غلبت فئۃ کثیرۃ باذن اللہ . واللہ مع الصابرين . لقد کان فی قصصہم عبرۃ لادلی الالباب . لا ینزلون یقاً تلونکم حتی

برزدکم عن دینکم ان استطاعوا . اعدوا لهم ما استطعتم من قوۃ ومن دباب الخیل ترهبون بہ عدو اللہ وعدکم واکفین من دینہم ، لا تعلمہم ، اللہ

یعلمہم . وعد اللہ الذین امنوا عملوا الصالحات ، لیستخلفنہم فی الارض کما استخلف الذین من قبلہم ، ولیمکنن لهم دینہم الذی ارتضی لهم . و

یبدلہم من بعد خوفہم انہا . انما جزاء الذین یجادون اللہ ورسولہ ویسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا اذ یصلوا ، اذ تقطع ایدیہم وارجلہم

من خلاف ، اذ ینفوا من الارض . الم ترالی الذین یزعمون انہم امنوا بما انزل الیک وما انزل من قبلك ، یریدون ان یتحاكوا الی الطاغوت

وقدموا ان یكفروا بہ . یرید الشیطان ان یصلہم ضلالاً للبعید . انتم منون ببعض الکتاب وتکفرون ببعض . فما جزاء من یفعل ذلک منکم الا

خزى فی الجبۃ الدنیا ، ویوم القیمۃ یردون الی اشد العذاب ، بلی من اسلم وجہہ للہ وهو محسن ، فله اجرہ عند ربہ ، ولا خوف علیہم ولا هم یحزون .

الم ترالی الذین ادوا نسیاناً من الکتاب یدعون الی کتاب اللہ لیحکم بینہم ، ثم یتولى فزیح منہم وهم معرضون . شرع لکم من الدین ما وصی بہ نوحاً ،

والذی اوحینا الیک ، وما وصیناہ ابراہیم وموسیٰ وعیسیٰ ، ان اتیموا الدین ، ولا تقفوا فیہ ، کبر علی المشرکین ما تدعوہم الیہ ، اللہ یجتبی الیہ من

یشاء ، ویہدی الیہ من یشاء . لكل جعلنا منکم شرعاً ومنہاجاً ، ولو شاء اللہ لجعلکم امۃ واحدة ، ولکن لیبطلکم فیما اتیکم ، فاستبقوا الخیرات .

قولوا انما باللہ ، وما انزل الینا ، وما انزل الی ابراہیم واسمعیل واسحق یعقوب والاسباط ، وما ادتی مرسی وعیسی ، وما ادتی النبیون من دینہم ، لانفرق

بین احدیہم ، ونحن لہ مسلمون . لا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی ہی احسن - الا الذین ظلموا منہم - وقولوا انما بالذی انزل الینا و انزل الیکم

والہنا والہکم ولحد ، ونحن لہ مسلمون . قل یا اهل الکتاب لستم علی نفسی و علی نفسی تقیموا التورۃ والانجیل وما انزل الیکم من ربکم . ولینزل

کثیراً منہم ما انزل الیک من ربک طحیانا ولفراً . انا انزلنا التورۃ ، فیہ ہدی ونور ، یحکم بہا النبیون الذین اسلموا ، للذین ہادوا ، والربانیون

والاجارۃ بما استخفظوا من کتاب اللہ . وكانوا علیہ شہداء ، فلا تخشوا الناس و اخشون ، ولا تشدوا باياتی ثمناً فلیلا . ومن لم یحکم بما انزل اللہ فاولئک

ہم الکافرین . لكل جعلنا منکم شرعاً ومنہاجاً ، ولو شاء اللہ لجعلکم امۃ واحدة ، ولکن لیبطلکم فیما اتیکم ، فاستبقوا الخیرات . وقصینا علی

اناسہم بعیسی ابن مریم مصداقاً لما بین یدیہ من التورۃ ، وانینا الانجیل فیہ ہدی ونور ومصداقاً لما بین یدیہ من التورۃ ، وهدی ومخطفة للمتبعین .



نویسندگان فریکار:

خداوند در آیه ۷۹ بقره سوره ۲ میفرماید:

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ

وویل (وای)

ثُمَّ يَقُولُونَ: هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا  
فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْتُمُونَ  
وای برک نی که بادست خویشان کتاب نوشته، می نویسند

بعد میگویند این از جانب الله است تا آن راه بهای کمی بفرروشند؛

وای بر آنها، بخاطر آنچه با دستهای خود نوشته و وای بر آنها از آنچه پست می آورند.

فریکاران دکاندار برای پست آوردن پول ناچیزی یا پست آوردن شهرت و مقامی دین خداوند را بیازمی میگیرند و بنام دین مطالبی مبرهم میکنند و بنویسند مردم بی اطلاع از کتاب الهی روی حسن ظن آن را می پذیرند، چون گمان میکنند آنچه آنها نوشته اند حقایق دینی است، و آن را با حسن نیت بنام دین به این دکان میگویند و آینه گمان این حرفها در گفتار نوشته های خود نقل میکنند و ملاک و معیار دین برای سلیقه ای بعد از آن میشود. کمی فکر کنید که نام شخص است که همه جا حاضر باشد و وقایعی که اتفاق می افتد ببیند و کدام حافظه ای است که آنچه میشود بدون ذره ای کم و زیاد بازگو کند. خداوند میفرماید اینکار را برای این میکنند که آن راه بهای کمی بفرروشند. آیه الله مطهری در صفحه ۱۸۴ و ۱۸۵ کتاب «بچه بچی درباره برجیت در جوانیت» تحت عنوان «علوم زندگی» میگوید: «آفتی که جامعه روحانیت را افروخته و از یاد آورده «علوم زندگی» است... این آفت عظیم معلول نظام مالی ما است... حکومت عوام نشأ رواج بی حد و تصرف و معامله و تطاهر و دکان حقایق و آرایش قیافه و پرداختن به هیکل و شیوع عناوین بالا بلند در جامعه روحانیت ما شده ۴ و در صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲ آن میگوید: «کار همیشه را نمیخوان ساده گرفت. یک رکن اساسی حیات است... یک مغز روحانی متدین... در حال حاضر راه زندگی منحصراً این است که از دست مردم مستقیماً آرزو کنی. ناچار است که به بریدن خود بچشم «مستغل» نگاه کنی.» لابد اسم اهلک و مستغلات را شنیده اید. مستغل مدکی است که در آمد مانعانه بنام اجاره دارد.

إعراب قوله عز وجل

ات حكومة آروسی  
شیراز  
چهاره  
حقیقی  
حالی

آیات زیر را معنی کنید و علت اعراب آن را بیان کنید.

يا ايها الذين امنوا اتوا قوامين بالقسط شهدوا لله ولوعلى انفسهم واولوالدين والاقربين ان يكن غنياً او فقيراً. يا ايها الذين امنوا اذا نزلوا فاحشياً

قالوا وحينا عليه اباونا، والله امرنا بهاء قل ان الله لا يامر بالفحشاء، اتقولون على الله ما لا تعلمون؟ قل امرى بالقسط. ان الله يامر بالعدل والاحسان واتقاء ذى القربى، دينى عن الفحشاء والمكرب والبعث

اهلها، واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل. لا تعلموا النفس التى حرم الله الا بالحق. كتبنا على بنى اسرائيل انه من قتل نفساً بغير نفس او

فساد فى الارض فكلنا قتل الناس جميعاً. لا تاكولوا اموالكم بينكم بالباطل وتدلوها الى الحكام، لتاكلوا فروقاً من اموال الناس بالاثم لا يبيع قوم من قوم دلائلهم الفسليم ولا تاتوا بالالقاب. اجتنبوا لئلا من الظن، ان بعض الظن اثم، ولا تجسسوا، ولا يغتب بعضكم بعضاً.

ان جاءكم من بنى نبيائنا، ان تصيبوا قوماً بجهالة فتصيبوا على ما فعلتم ناديين. اذ تلقونه بالسليم وتقولون بافوا حكم ما ليس لكم به علم، و تحسبونه هيناً وهو عند الله عظيم. اذ اذرت الله وحده اشمازت قارب الذين لا يؤمنون بالافرة، واذا ذلوا الذين من دونه اذا هم يستبشرون.

قالوا، اجبتنا لغير الله وحده، ونذرتنا يعبد اباؤنا، فاتنا بما نعدنا، ان كنت من الصادقين. اتخذوا افعالهم ورجاهتم ارباباً من دون الله،

والمسيح ابن مريم، وما امروا الا لعبودها واحداً، لا اله الا هو، سبحانه عما يشركون. ما كان للبشر ان يؤتبه الله الكتاب والحكم والنبوة، ولكن كونوا ربانيين بما كنتم تعلمون الكتاب، وبما كنتم تدرسون. اذ قال الله يا عيسى ابن مريم، اءانت قلت للناس اتخذوني وامى الهين من دون الله؟ قال

سبحانك ما يكون لى ان اتول ما ليس لى بحق. ان كنت قلته، فقد علمته، تعلم ما فى نفسى، ولا اعلم ما فى نفسك، انا انت علام الغيوب. ما قلت لهم الا ما امرتني به، ان اعبدوا الله ربى وربكم، وكنت عليهم شهيداً ما رمت فيهم. قلما توفيتنى كنت انت الرقيب عليهم.

وانت على كل شىء شهيد. قل انما اتوا بشركم، يدعى الى انما الهكم اله واحد، فمن كان يرجوا لقاء ربه، فليجئ عبداً صالماً، ولا يشرك بعبادة ربه احداً. ما يرون الا انهم بالله الا وهم مشركون. قل انما يدعى الى انما الهكم اله واحد، فهل انتم له مسلمون؟

گویندگان فریبکار:

کوفی گرداندن خداوند در آیه ۷۸ سوره بقره میفرماید:

بیشکی = صحرای حجاز  
چو حوت فتمه = کلبه  
(جس از مغل)

إِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ السِّينَةَ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ،

وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ، وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،

وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ، وَهُمْ يَعْلَمُونَ

دروغ دروغ میگویند و خوشان هم این را میدانند. عده ای از آنها طوری زبان را در دهان کتاب میگردانند که شما خیال کنید حرفشان از کتاب الهی است،

در صورتیکه از کتاب الهی نیست، و میگویند این حرفها از جانب الله است، در صورتیکه از الله نیست،

از قول الله دروغ میگویند و خوشان هم این را میدانند.

این بابت دست از دکانداران فریبکار دینی هستند که دین را رسیده رسیدن بی پول و مقام و شرف ساخته اند. این فریبکاران سخنرانان ماهری هستند که مثل یک کتور کامل کار

میکند. طوری صحبت میکنند که مردم خیال کنند از کتاب الهی صحبت میکنند. اگر برای یهودیان صحبت کنند در صحبت سخنرانی خود جملات عبری یا عبرانی میگویند و اگر برای مسیحیان

صحبت کنند جملات یونانی و لاتین در سخنان خود می آورند. و اگر برای مسلمانان صحبت کنند جملات عربی در سخنان خود می آورند که مردم خیال کنند تمام سخنان مربوط به کتاب

الهی است. و میگویند که این حرفها از جانب خداوند و کتاب الهی و کلام الله مجید و دین است در صورتیکه از دین و کتاب الهی نیست و خوشان هم این مطلب را میدانند؛ اولی

مردم بی اطلاع با حسن ظنی که به آنان دارند فکر میکنند که حرفهایشان از کتاب الهی و کلام و وحی خداوند است و آن با حسن نیت کامل برای این دکان بازگو میکنند و کلام

نویسندگان آنرا را بنام صحابی دینی در کتاب خود می نویسند. و کتاب آنها در قرن های بعدی به گونه معیار شناخت دین می شود و حرف خداوند آن بدعت شناخته می شود. بدعت حرفی

یا عملی است که بعد از پیغمبر من نام آورده می کنند. همانطور که علامه طباطبائی در صفحه ۴۲۷ جلد پنجم تفسیر المیزان می نویسد: «در زمان عمر ابن عبدالعزیز هم دستور داده شد که

احادیث را بنویسند. اهل حدیث تا آنوقت احادیث را نمی نوشتند و تنها با حافظه خود را میگردانیدند.» با توجه به اینکه حافظه انسانی خطا کار و ضعیف است و فراموشی آن نیز دارد و از

شنیده فراموش می کند معلوم است با گذشت چند سال چه روز حدیث می یاد نویسند و هیچ نگاری قدیم ترین کتاب اهل سنت در سال ۱۸۶ هجری از دنیا رفته و محمد ابن یعقوب کلینی

رسال ۳۲۸ یا بقولی در سال ۳۲۹ هجری زدنارفته است. با توجه به امکانات تحقیقی آن زمان که بسیار محدود بوده معلوم است چه به روز احادیث آمده و چه در میتوان به آنها  
 اعتماد داشت. آیه الله بشتی در کتاب «روش برداشت از قرآن» در صفحه ۳۵ میگوید: «بر عوام آیت الله بر جردی در تدوین فقوشتان مکرر در مکرر روی روایات کافی  
 بحث میگردند. در ابوابی را رد میگردند روایتی را کنار میزدند. در خود کافی روایات متضادی هست، ناچاریم عده ای از آنها را کنار بزنیم.» در صفحه ۱۰۰ تا ۱۰۱  
 کافی چاپ احادیث عجیب و غریبی وجود دارد که با قرآن کامل اختلاف دارد و باید دور انداخته شود.

این آیات را معنی و علت اعراب آن را بیان کنید:

لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله و اجنبوا الطاغوت. <sup>۴: ۵۱</sup> الذین اجتنبوا الطاغوت ان یعبدوها، وانا بوا الی الله، لهم البشری.  
 فمن یكفر بالطاغوت یدمن بالیه فقد استمسك بالعروة الوثقی، لا انفصام لها. <sup>۴: ۵۱</sup> الم تر الی الذین ادنوا نصیبا من الكتاب یدمنون بالجحیت الطاغوت؟  
 عبادی فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه. اولئك الذین هدیهم الله، واولئك هم اولوا الالباب. <sup>۴: ۵۱</sup> فویل للذین یتكلمون الكتاب بادیهم  
 ثم یقولون: هذا من عند الله، لیستویا به ثمنا قلیلا. <sup>۴: ۵۱</sup> ارایت من اتخذ الیه هواء؟ اذانت تكون علیه ذکیلا؟ ان منهم لفرقا یلودن السنهم  
 بالكتاب التحسیدیه من الكتاب و ما هو من الكتاب؛ ویقولون هو من عند الله، و ما هو من عند الله، ویقولون علی الله الكذب، وهم یعلمون.  
 ان الذین امنوا الذین هادوا و النصارى و الصابئین، من امن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا، فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون.  
 لا یرالون بقا تلونكم حتی یردكم عن دینكم ان استطاعوا <sup>۴: ۵۱</sup> لئن اتخذت الهی غیرى لاجعلنك من المسجونین.  
 تذرموسى و قومیه لیفسدوا فی الارض و یدركد الهتك؟ <sup>۴: ۵۱</sup> استبهر هو و جنوده فی الارض بغیر حق.  
 من الذین یرهبون لیاكون اموال الناس بالباطل ویصدون عن سبیل الله. <sup>۴: ۵۱</sup> قالوا یا شعیب اصلوك تامرک ان شرک ما یعبدا بائنا؟  
 اذ ارادك ان یتخذنك الالهة. <sup>۴: ۵۱</sup> اهنا الذی بعث الله رسولا؟ لقد استهزی برسل من قبلك. فحاق بالذین سفروا منهم ما كانوا یستهزئون.  
 ضرب الامثلة و نسى خلقه. <sup>۴: ۵۱</sup> قال من یحیی العظام و هی ریمیم. قالوا لمن لم تنبه یا نوح لتكون من المرجومین. الذین هاجروا و اخرجوا من  
 دیارهم و اذوا فی سبیل دیننا و قتلوا الكفرین عنهم سبائهم. <sup>۴: ۵۱</sup> ان الذین یكفرون بایات الله و یقتلون النبیین بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون  
 بالفسط من الناس فبشرهم بعذاب الیم. <sup>۴: ۵۱</sup> انظمعون ان یدمنوا لكم و تكان فزیئ منهم لیسمعون كلام الله، ثم یخرفونه من بعد ما عملوه، وهم یعلمون.

از طمع یاد = اسید داسس، استصار داسس

آشنائی با قرآن ۵۹

وضو:

نماز ای مضاف

خداوند در آیه ۵ مائده میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ، فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ  
وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ، وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَاطْبُؤْا،  
جمع در شستن و غروره  
ای افراد با ایمان، وقتی برای نماز برخاستید صورت و دستهایتان را آب بچشید،

و دستانتان و پاهایتان تا قوزک با مسح بشوید، و اگر جنب بودید، خود را پاک کنید؛

رضی ایضا جمع بر وضو

وَإِن كُنتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسَ الْمَرْءُ الْمَرْءَ

ایضا بر نفسی میت برابر  
اینکه شستن نفس کامل است  
ایضا

فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً، فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا، فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ،

ایمرا ۵۵ را میخواند

المریض یا در سفر بودید یا یکی از شما از دفع مازاد آمد یا از نشان بمخوابی کردید،

سجاط لم

و آبی پیدا نکردید، با خاک پاک تیمم کنید، و از آن بصورت و دستهایتان بشوید،

وجود پیدا کردن

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ، وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.

باب انحال

الله نمیخواهد برای شما در امری فزایم کند ولی میخواهد شمار را تمیز کند و نعمتش را بر شما تمام کند تا از او سپاسگزاری کنید.

می بینیم که وضو در سوره مائده یعنی آخرین سوره ای که پیغمبر نازل شده آمده و قبل از آن مسلمان بدون وضو نماز نمیخواندند. ولی دستور غسل یعنی شستنوی پس از جنب شدن

در آیه ۴۳ سوره مائده آمده بود. ولی بینیم که وضو و غسل برای تمیزی دیناکی آمده است لذا همانطور که امام باقر امام صادق در حدیث خود و صفحہ ۱۴۱ جلد اول رسالہ تمیزی فرماید:

الغسل مجزئ عن الوضوء، وای شیء اطهر من الغسل.

غسل (شستن) از وضو کفایت میکند. چه چیزی از غسل پاک تر است؟

الوضوء بعد الغسل بدعة.

وضو بعد از غسل بدعت است.

ترجمه کنیز و علت اعراب کلمات را بیان کنید:

لقد بعثنا في كل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت

الذين اجتنبوا الطاغوت ان يعبدوها وانا بوالى الله

فمن يافر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى

فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه ، اولئك الذين هديهم الله

و اولئك هم اولوا الالباب . ارايت من اتخذ الهه من دونه ؟ اذ انت تكون عليه وكيلا ؟ فذلك فاجع ورتسم كما ارتيت ولا تتبع الهوا منهم

وان احسنهم ما انزل الله ولا تتبع الهواهم واتخذهم ان يفتنوك عن بعض ما انزل الله اليك

لئن اتبعت الهواهم من بعد ما جاءك من العلم انك لمن الظالمين ان الذين امنوا والذين هادنا والصابرين

من امن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا

فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون لئن اتخذت الهة غيري لاجعلنك من المسجونين

لئن لم ينبذ ما نوح لتلوتن

من المرجوهين . قال انتم به قبل ان اذن لكم انه للبيركم الذى علمكم السعير

فلا تطعن ايديكم وارجلكم من خلاف

ولا صلبنكم في جذوع النخل اذا راو ك ان يتخذوا الهوا

من يحيى العظام وهى رمية

اهذا الذى بعث الله رسولا ؟

قالوا انزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم ؟ قالوا اساطير الاولين ، التتبعها فهم تعلمى عليه بكرة واصيلا

قالوا اساطير الاولين ، التتبعها فهم تعلمى عليه بكرة واصيلا

لقد تعلم انهم يقولون يعلمه بشر لسان الذى يلحدون اليه اعجى

قال الذين كفروا ان هذا الا انك افترية

وهذا السان عربى مبين

دا عانه عليه يوم اخرون قل انزله الذى يعلم السر فى السموات والارض

قالوا ما لهذا الرسول ياكل الطعام ويمشى فى الاسواق

لولا انزل عليه ملك فيكون معه نذيرا اذ يلقى اليه كثره اذ تارون له خبثا ياكل منها

قال الظالمون ان يتبعون الا رجلا سورا

لنصبرن على ما اذيتهمنا وعلى الله فليتوكل المتوكلون قال الذين كفروا لرسولهم لنخرجنكم من ارضنا اولتعودن فى ملتنا

الذين هاجروا واخرجنا من ديارهم واددوا فى سبيلى وقاتلوا وقتلوا الاكفرن عنهم سيئاتهم

ولادخانها جنات تجري من تحتها الانهار

ذلك بانهم كانوا يكفرون بايات الله ويقتلون النبيين بغير حق

ذلك بما هصدوا وكانوا يعبدون . ان الذين يكفرون

بايات الله ويقتلون النبيين بغير حق ويقتلون الذين يامرون بالعسق من الناس فبشرهم بجزاب اليم

فى الكتاب

قد كان فرقى منهم سيمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه اذ الذين يكفرون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس

ببینید و مسئله اسم پیش باجه  
یعنی آن مؤلفانه  
بشمس سره اطمینان  
خوردنی ها:

خداوند در آیه ۹۳ آل عمران میفرماید:

اسم دستا  
کُلِّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِ أَنْ نُنزِلَ التَّوْرَةَ.

هر غذایی برای بنی اسرائیل قبل از نزول تورات حلال بود مگر آنچه خود یعقوب بر خودش حرام کرده بود.

می بینیم که خداوند در این آیه میفرماید «هر غذایی بر بنی اسرائیل قبل از نزول تورات حلال بوده».

تورات هم در شماره ۳ باب نهم سفر پیدایش همین مطلب را بیان میکند چون میفرماید: خدا به نوح و پس از آن گفت: «هر جنبه ای که زندگی دارد برای شما طعام باشد همه را چون علف بیزه شما دارم مگر گوشت را با جانش

که خون او باشد مخورید» می بینیم مطابق این آیه خداوند تمام خوردنی ها برای نوح و ابراهیم و پس از آن یعقوب پس از آن تا زمان موسی علیهم السلام حلال بوده ولی

واجب نبوده هر کسی هر غذایی را بخورد لذا یعقوب بعضی غذاهایی که دست نداده نمیخورد پس از آن هم به تبعیت از او آن را نمی خوردند. و گرنه خداوند آن را حرام نکرده بود.

خداوند در آیه ۱۶۰ انعام میفرماید: حلال شد (حجول) اول حاشی آنرا

فَيَنْظِمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَيْفَ يَأْتُوا

وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدَّحُوا عَنْهُ وَأَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ

هم در حرم و حاد که است بدست ظلم بودیان و بدست اینکه مردم را بحد از زیاد از راه خدا باز می داشتند،

همه وقت ماعن یعنی بدست اینکه در صورتی از ربا خواری منع شده بودند با خواری میکردند و بدست اینکه مال مردم را

بباطل میخوردند خوردنی های پاک که برای آنها حلال بود بر آنها حرام کردیم.

آیه ۱۴۶ نهم همت تخیم خوردنی های پاک را برای بودیان ظلم (یعنی) آنها بیان میکند و گرنه مطابق ۹:۳ سفر پیدایش خوردن هر غذایی برای آنها مجاز بوده.

خداوند در آیه ۸۷ مائده میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ

ای افراد با ایمان خوردنی های پاک را که الله برای شما حلال کرده حرام نکنید.

عالم ALIM

اِتَّبِعُوا مَا انزَلَ الْكُتُبُ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ اَوْلِيَاءَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا انزَلَ اللَّهُ فَاولئك هم الكافرون  
 فَاتَّقُوا مَا تَنْسِي مِنَ الْقُرْآنِ اذْلا تَنْتَدِرُونَ الْقُرْآنَ لَقَدْ نَسِيَ الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ الْقُرْآنَ حُدَى لِلنَّاسِ  
 اِنَّمَا نُنزِلُهَا بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ وَتُنذِرَ قَوْمًا لَدَا لَقَدْ ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان  
 ليقوم الناس بالقسط يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَامْكُلُوا صَالِحًا اِن اريدوا الاصلاح ما استطعت  
 فِي اَمْوَالِهِمْ حَسْمٌ مَعْلُومٌ لِلنَّسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ اَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكُتُبِ وَتُلْفُونَ بِبَعْضِهَا خِرَاءً مِنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ الْاِخْرَجِي فِي الْحَبْرَةِ الَّذِي  
 وَيَوْمَ الْعِيَّةِ يَرْدُونَ اِلَى اَسَدِ الْعَذَابِ وَمَا لِلَّهِ بِعَاقِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ لِازَيْن لَمْ نَبِي الْاَرْضِ وَلَا عَرَبِيَّتُهُمْ اَجْمَعِينَ  
 الْاَعْمَادُ كَمِنْ الْمُخْلِصِينَ لَا يَزَالُونَ لِقَابًا بِلُغَتِهِمْ حَتَّى يَرْدُوكُمْ عَنْ رِئْسِكُمْ اِنِ اسْتَطَاعُوا اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ اٰمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ  
 ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اذْ لِكُمْ الصَّادِقُونَ وَاعْتَصَمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا  
 اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانْتُمْ بَيْنَ مَرْصُومٍ لَا تَلْمِزُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاذْ لِكُمْ لَعْنَةُ عَذَابِ اَلِيمٍ الَّذِينَ جَادُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِاخْوَانِنَا  
 الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِيْمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ اَخْوَتِكُمْ  
 وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَارِثِي الْاٰيْمَتِمْ وَاِنْ تَنَادَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّهُ اِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ اِنْ كُنْتُمْ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا اِلَى مَا انزَلَ اللَّهُ وَ اِلَى الرَّسُولِ  
 رَأَيْتُ الْمُنَافِقِينَ يُصَدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا اَلَمْ تَرِ اِلَى الَّذِينَ يَزْعَمُونَ اَنَّهُمْ اٰمَنُوا بِمَا انزَلَ اِلَيْكَ وَمَا انزَلَ مِنْ قَبْلِكَ  
 يَرْيدُونَ اَنْ يَخْلَعُوا اِلَى الطَّاعُوْتِ وَقَدْ مُرِدُوا اَنْ يَكْفُرُوا بِهِ اَتَّبِعْ مَا انزَلَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ اِن اَسْعِ اِلَّا مَا يَرْجُو اِلَى

اَمَرْتُ اَنْ اَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَاَنْ اَلُو الْقُرْآنَ اُرْعِ اِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحَمِيَّةِ وَالرِّعْظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ  
 وَلَكِنْ مِنْكُمْ مَنْ يَدْعُونَ اِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاذْ لِكُمْ هُمْ الْمَحْفُوظُونَ كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ  
 تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْجُنْدِ